

Courts Surveillance over Covert Entrapment Operations in Economic Crime

Abstract

Economic crimes are a serious growing threat posing a great danger to all societies. These crimes are difficult to discover and thus fight for their specific features including invisibility, no victimization, large size and professionalism of the perpetrators. Therefore, covert entrapment operations and traps facilitates the fight against these crimes; however, arresting the perpetrators who are trapped during a covert entrapment operation, always arise doubts. In this case, the court should play its supervisory role in order to eliminate errors, improve prevention and detection methods, provide transparency and remove ambiguity of the secret nature of these operations. Therefore, the court needs criteria for distinguishing legitimate and illegitimate entrapments. This paper examines the criteria for court surveillance over covert entrapment operations, while scrutinizing the court's final decision on defendants caught in these entrapments.

Keywords: Surveillance, Court, Covert Operations, Entrapment, Economic Crimes

نظارت دادگاه‌ها بر عملیات مخفی دام گستری در جرایم اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۵

محمد پیرانی^۱اصغر عباسی^۲علی قربانی^۳

چکیده

جرایم اقتصادی تهدیدی جدی و روبه‌رشد بوده که مخاطرات فراوانی برای تمامی جوامع به همراه خواهد داشت این جرایم به واسطه ویژگی‌های خاصی چون عدم رویت پذیری، بدون بزه دیده بودن، کلان بودن و حرفه‌ای بودن مرتکبین، به دشواری کشف شده از این رو مبارزه با عواملان این جرایم به سختی صورت می‌پذیرد بدین جهت بهره‌گیری از عملیات مخفی دام گستری و بکارگیری تله‌ها خواهد توانست مبارزه با این جرایم را عملاً ساده نماید اما با دستگیری مرتکبینی که در جریان یک عملیات مخفی دام گستری به دام افتاده، همواره شبهاتی در اذهان نقش خواهد بست اینجاست که دادگاه‌ها می‌بایست به منظور مرتفع نمودن خطاها، ارتقاء روش‌های پیشگیری و کشف جرم، شفافیت و رفع ابهام از ماهیت راز آمیز این عملیات‌ها، نقش نظارتی خود را ایفاء نماید بدین جهت دادگاه لازم است معیارهایی برای تشخیص دام‌های مشروع از نامشروع داشته باشد این مقاله ضمن تبیین معیارهای نظارت دادگاه‌ها بر عملیات مخفی دام گستری، تصمیم‌نهایی دادگاه در خصوص متهمین گرفتار شده در این دام‌ها را مورد مذاقه قرار می‌دهد.

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران، mohammadpirani@chmail.ir
^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)، drabbasi191@gmail.com
^۳ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران، Ghorbani409@yahoo.com

همانطور که مشخص است باران برای زندگی امری مهم و حیاتی است اما اگر برآن نظارت نشود و سیل بندها احداث نشوند همین آب ناشی از بارندگی، حادثه ها را رقم خواهد زد. آنچنان که شاعر فقید دکتر قیصر امین پور اشعار می دارند...سیلی است که می برد درختان را، باران به عبارت دیگر این است (امین پور، ۱۳۹۶:۹۴). بدیهی است این پلیس است که بزهکاران را شناسایی می کند از این رو شایسته است که در فعالیت های خود به چرخه ای از ابتکارات ورود نماید (استوت، بیتس و ویلیامز، ۱۳۹۳:۹۹). یکی از این ابتکارات می تواند، بهره گیری از عملیات های مخفی، دام ها و تله گذاری باشد. اما باید توجه داشت که ابتکار عمل پلیس هرگز قابل تضمین نیست (James, 2017:14) زیرا اولاً عملیات های مخفی با انبوهی از محرمانگی، اقدامات مخفیانه و آزادی عمل مامورین همراه هستند؛ بنابراین، این دسته از عملیات ها می بایست به شیوه ای قاعده مند تحت بررسی ها و ارزیابی های دقیق و مو شکافانه قرار گیرند. ثانیاً مطالعاتی مختلف به این نتیجه رسیده اند که فرهنگ پلیس، ذاتاً دارای چهره ای محافظه کارانه است (مارش، ملویل، مورگان، نوریس و والکینگتن، ۱۳۹۳:۲۹۱) از این رو سیاست های پیچیده ی مرتبط با عملیات های مخفی را نباید بدون نظارت رها نمود. زیرا کارهای مخفی همچنان که مشخص است، هم پنهانی است و هم فریبنده (Bpodeur, 1992:106) و هم اینکه دامنه رفتار پلیس مخفی گسترده و متنوع می باشد (Tinto, 2012:1430) و علاوه بر این، به دلیل فرهنگ پنهانی معمول واحدهای مخفی، سیاست های آن ها اغلب خیلی عمومی نیست که این امر می تواند منجر به گرایش به روش های انتخاب مخفیانه، غیر رسمی و غیر سیستماتیک شود. (Farmer, Beehr and Love, 2003:378) علی هذا نظارت بر عملکرد پلیس، در هر صورت، لازم و ضروری است. در واقع جایی که حرکتی در جریان باشد اعم از مخفی یا آشکار، چون احتمال خطا یا انحراف از مسیر متصور است، لذا نظارت امری ضروری و بدیهی خواهد بود. به عبارتی، استفاده از روش های تحقیقی ویژه مانند مامورین مخفی یا دیگر روش های تحقیقی مخفی، به خودی خود ناقض حقوق بشر و حق بهره مندی از محاکمه عادلانه نیستند؛ با این حال، استفاده از چنین روش هایی می بایست با محدودیت ها و ضمانت های مشخص و شفافی همراه باشد. (Stariene, 2009:263-264) شکی نیست که ویژگی بارز همه ی به دام انداختن ها، استفاده از فریب می باشد (Nanima, 2018:111) از این رو ممکن است افراد بی گناه در معرض درخواست های مجرمانه قرار گیرند؛ به منظور جلوگیری از این مشکلات باید بر تحقیقات نظارت نمود، در واقع نظارت قضایی با هدف کنترل تحقیقات صورت می گیرد (Montana, 2009:311) چرا که در هنگام تحقیقات پنهان، در چارچوب یک رژیم حاکمیتی، نباید جایی برای پنهان شدن از نظارت دقیق وجود داشته باشد. پس هدف اصلی از نظارت قضایی جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی از اختیارات قانونی و تثبیت حاکمیت قانون است. در این راستا کشورهای اروپایی دیدگاه های خود در رابطه با مساله ی پلیس مخفی را از نقطه نظر حقوق جزا به قلمروی دادرسی کیفری گذار داده اند. بدین ترتیب، مقوله ی مسئولیت کیفری فردی به سمت موضوعات مرتبط با صلاحیت تشکیلاتی (یعنی نظارت بر اجرای عملیات های نیش) و هماهنگی با اصول و قواعد قانون اساسی، هدایت می

شود (Constantino, 2017: 490) هر چند مکتب نئوکلاسیک دخالت قاضی را هنگامی مجاز می داند که عدالت اقتضا نماید (مومنی، ۱۳۸۹: ۱۵۳) اما، پس از انجام عملیات های مخفی و دستگیری افرادی که در دام های پلیسی گرفتار شده اند خود به خود پای دادگاه ها به منظور مجازات یا عدم مجازات این دسته از افراد باز خواهد شد. بدیهی است تحصیل دلیل به روش غیر قانونی، موجب خروج از مسیر عدالت کیفری خواهد بود (آقای جنت مکان، ۱۳۹۶: ۲۷۳) بنابراین دادگاه به منظور حفظ جایگاه و اعتبار خود به طور خاص یا نظام عدالت کیفری به طور عام بر دام های پلیسی نظارت می نماید. دادگاه نمی تواند متهمی را که از طریق دام های شائبه دار، به دام افتاده را محکوم کرده و در عین حال، مامور مخفی را به حال خود رها کند. بنابراین، دادگاه برای حفظ جایگاه و اعتبار خود در برابر ننگ ارتباط با رفتارهای شائبه دار پلیس به نظارت قضایی اقدام خواهد نمود. به عبارتی شاخه های نظام عدالت کیفری چنان از نظر ساختاری و هنجاری در هم تنیده شده اند که نقض ارزش های بنیادین این نظام از ناحیه ی یکی از این شاخه ها (پلیس) نمی تواند از سوی شاخه دیگر (دادگاه کیفری) نادیده انگاشته شود. از این رو گستره ی نظارت قضایی می بایست دربرگیرنده ی دلایل طرح ریزی و اجرای عملیات مخفی، میزان مداخله ی پلیس در وقوع جرم و ماهیت هر گونه مشوق یا فشاری باشد که متهم در معرض آن قرار داشته است (Brady, 2014: 119) بدین جهت برابر مقررات آیین دادرسی کیفری اکثر کشورها از جمله آفریقای جنوبی دادگاه ملزم است نوع تحریک، میزان فریب و نیرنگ، زمان ارائه رفتار، خواه مقام یا نماینده او که به این امر دامن زده، ارتکاب جرم یا میزان مشارکت در فعالیت غیر قانونی را مورد بررسی قرار دهد. (Nanima, 2018: 119) به عنوان مثال تلاش ماموری که مبادرت به تله گذاری برای شخصی می نماید که به هیچ عنوان تمایلی به ارتکاب جرم -اقتصادی- نداشته، یک تلاش بیپرده است زیرا وی در تلاش برای اثبات جرمی نیست که از قبل وجود داشته است، بلکه در صدد دامن زدن به جرمی جدید است. در این صورت، دادگاه باید مامور را یک مامور تحریک گر واقعی قلمداد نماید. ضمن اینکه رفتار مامور در این نوع به دام انداختن، حسن نیت وی را نشان نمی دهد (Nanima, 2018: 119). اما باید توجه داشت که دادگاه ها در بادی امر و در برخورد با متهم به دام افتاده با سئوالاتی روبه رو خواهند شد اینکه آیا ماهیت جرم به گونه ای بوده که نیازمند استفاده از دام باشد؟ آیا امکان بکارگیری دیگر روش های تحقیقی وجود داشته است؟ آیا جرم اتهامی متهم از نوعی بوده که، بدون دخالت دولت، وی احتمالاً هرگز مرتکب آن نمی شده است؟ آیا نظارت مناسبی بر اجرای عملیات وجود داشته است؟ از قبل پاسخ به این سوال، به سوال بعدی می رسیم که آیا اصلاً باید محاکمه ای در خصوص چنین متهمی برگزار شود؟ این ها موضوعاتی است که بی تردید در حوزه ی موضوعات قضایی جای می گیرد.

۱. مفهوم شناسی

۱,۱ مفهوم نظارت

نظارت در لغت به معنای مراقبت در اجرای امری است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۹۰۹) این مفهوم که در میان مولفه های مختلف مدیریت، نظیر هدف گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی، سنجش و ارزیابی، از حساسیت ویژه ای

برخوردار است عبارت است از عاملی بازدارنده از انحراف و عقب ماندگی کارگزاران و اعتدال و تنظیم اصول صحیح آنان (محمدیان، ساجدی و بیگم فقیهی، ۱۳۹۴:۱۹۲) نظارت از آنجا موجه و مشروع است که دادگاه ها به عنوان ناظر و تصمیم گیرنده اصلی این حق را برای خود قائل هستند که فعالیت های عامل یا همان پلیس را زیر ذره بین قرار داده و بررسی نمایند. این مفهوم اگر با عدالت همراه باشد، سازنده و بالنده بوده (فروزنده، ۱۳۸۵:۶۰) و باعث خواهد شد که سازمان پلیس، در برگزیدن روش های مخفی با دقت و تعهد عمل نماید.

۲,۱ مفهوم دام گستری

عملیات دام گستری به معنای پهن کردن دام توسط مقامات قضایی برای ارتکاب یا تحصیل دلیل علیه اشخاص است که مورد نظر آنان هستند. این روش بیشتر در مورد مظنونان و تکرار کنندگان جرمی بکار می رود که به علت فقد ادله مناسب در جهت محکوم نمودن، امکان تعقیب کیفی آنان وجود ندارد و مامورین اجرای قانون با تو سل به این عملیات، در صدد کشف یا اثبات جرم ارتكابی آنان هستند (حسینی و موذن زادگان، ۱۳۹۳:۷). چنانچه مامور مخفی، در تلاش برای جمع آوری مدارک، از مجموعه ای از حدود حقوقی فراتر رفته و چهار شرط اساسی را احراز نماید، می توانیم بگوییم که دام گستری رخ داده است؛ این چهار شرط عبارتند از: (الف) گمان معقولی دال بر زمینه چینی فرد برای ارتکاب جرم یا مشارکت وی در جرم وجود ندارد؛ (ب) فعالیت مامورین پلیس یا همکاران آن ها بدون در اختیار داشتن مجوزهای قانونی لازم صورت گرفته باشد؛ (پ) مامورین دولت صرفاً در نقش ناظرین منفعل ظاهر نشده، بلکه در عوض چیزی بیش از فرصت ارتکاب جرم را در اختیار مظنون قرار داده باشند؛ (ت) زنجیره ای از علت ها و معلول ها میان رفتار مامور دولت و جرم ارتكابی وجود داشته باشد (Roibu, 2014: 100) با این چهار شرط، دام گستری نام مشروع محقق خواهد شد در هر عملیات مخفی، مامورین مخفی یا مخبرین وظیفه دارند تا با نفوذ در بطن یک تشکیلات جنایی، مجرمین را در هنگام ارتکاب به جرم مشاهده کنند. در نتیجه، پلیس مخفی به عنوان یکی از روش های اعمال قانون، به گونه ای طرح ریزی شده تا با تولید و تهیه شواهد مرتبط، امکان به کارگیری آن ها در یک محاکمه کیفی را فراهم آورد؛ اما علاوه بر این، آن چه از یک عملیات مخفی حاصل می شود می تواند اطلاعاتی در خصوص گروه بندی های سیاسی و مذهبی و تهدید علیه امنیت ملی را نیز در اختیار ما بگذارد. (Roos, 2008: 240)

۳,۱ مفهوم جرایم اقتصادی

در سراسر گیتی مقررات گسترده ای در باب جرایم اقتصادی به چشم می خورد به عنوان مثال در اردن به موجب ماده ی ۳ قانون جرایم اقتصادی مصوب ۱۹۹۳، جرم اقتصادی جرمی است که احکام قانون مزبور در مورد آن ها اعمال می شود یا هر جرمی که در سایر قوانین تصریح شده، جرم اقتصادی خواهد بود. به موجب این قانون هر جرمی که موجب ایراد ضرر به مرکز اقتصادی مملکت یا اعتماد عمومی به اقتصاد یا کارگزاران دولتی یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار متداول یا مرتبط با اموال عمومی شود، جرم اقتصادی محسوب می شود. از این رو، همانطور که مشاهده می شود، در این قانون معیاری دو گانه برای تشخیص جرایم اقتصادی پیش بینی شده است که عبارتند از: تعریف به مصادق و تعریف به ضابطه. (بهره مند، ۱۳۹۷:۵۹) قانون کیفی آلمان

میان جرائم اقتصادی نظیر "دزدی و اختلاس"، "سرقت و اخاذی"، "پنهان کردن مجرمین و اموال به دست آمده از راه های نامشروع"، "کلاهبرداری و خیانت در امانت با قصد مجرمانه"، "جعل اسناد"، "جرائم مرتبط با ورشکستگی"، "اعمال مجرمانه ی از روی خودخواهی"، "خسارت به اموال"، "اعمال مجرمانه ی خطرناک برای امنیت جامعه"، "جرائم زیست محیطی" و "جرائم مقامات عمومی"، تمییز می دهد (Belousova, 2016:789). در آفریقای جنوبی مواردی چون کلاهبرداری، فساد و عواقب احتمالی ناشی از جرائم مالیاتی به عنوان جرائم اقتصادی شناخته شده اند. (Swanepoel and Meiring, 2018:460) در ماده ۱۵۰ قانون جزای مصر مصوب ۱۹۶۵ جرم اقتصادی عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که علیه قواعد وضع شده برای تنظیم یا حمایت از سیاست اقتصادی دولت، صورت گیرد و این قانون یا قوانین مخصوص آن ها را جرم دانسته باشند. براین اساس موضوع جرائم اقتصادی در حقوق مصر اموال عمومی و سیاست اقتصادی و اقتصاد ملی است و اینکه این جرائم باید قابلیت لطمه زدن به سیاست اقتصادی و برنامه های کلان اقتصادی را دارا باشد. (زراعت، ۱۳۹۵:۵) جرائم اقتصادی به آن دسته از جرائم گفته می شود که اغلب در ارتباط با فعالیت های اقتصادی مشروع و عمدتاً توسط مرتکبانی که از احترام قابل توجهی برخوردار هستند انجام می شود (Saddiq and Bakar, 2019:911) مطالعات نشان می دهد که این جرائم، علی رغم اقدامات سخت گیرانه ای که در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اعمال شده، همچنان در حال افزایش است (Saddiq and Bakar, 2019:910) آثار و پیامدهای این گونه جرائم، علاوه بر بزه دیدگان مستقیم، گریبان گیر بزه دیدگان غیر مستقیم نیز می شود بنابراین باید گفت که جرائم اقتصادی موجب اختلال و بی ثباتی اقتصادی می شود، مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه های تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند را از صحنه رقابت خارج می کنند (میر سعیدی و زمانی، ۱۳۹۲:۱۶۹) اما در این پژوهش تاکید اصلی بر دو جرم اقتصادی یعنی رشوه و پولشویی است. رشوه یکی از مصداق های بارز فساد اداری است که در معنای اخص آن، همان ارتشاء به عنوان یکی از مصداق های جرائم اقتصادی است البته رشاء به تنهایی نمی تواند اختلالی در روابط اقتصادی ایجاد کند، زیرا صرف دادن وجه یا هر چیز دیگری که مصداق مال الرشاء باشد هیچ تهدیدی برای امنیت و روابط اداری و اقتصادی ایجاد نمی کند با این حال، نقش وابستگی رشاء به که پیوند واقعی با ارتشاء دارد، قابل انکار نیست، زیرا رشاء جرمی است که با ارتشاء ملازمه دارد و در واقع این دو جرم به هم وابسته اند چون اگر جرم رشاء نباشد به تبع آن ارتشایی هم نیست یا به سخن دیگر اگر کارمند دولت رشوه نگیرد و

- ¹Theft and Embezzlement
- ²Robbery and Extortion
- ³Harboring of Criminals and Property Obtained by Criminal Means
- ⁴Fraud and Criminal Breach of Trust
- ⁵Forgery of Documents
- ⁶Crimes Related to Bankruptcy
- ⁷Selfish Criminal Acts
- ⁸Property Damage
- ⁹Criminal Acts that Endanger the Public
- ¹⁰Crimes Against the Environment
- ¹¹Crime by Public Officials

مرتشی نشود، جرم رشاء نیز در کار نخواهد بود پس این دو جرم با یکدیگر همپایه و هم پوشانی دارند. بنابراین رشاء هم می تواند از مصادیق جرم اقتصادی به شمار آید. پولشویی نیز فرآیندی است که به موجب آن فرد عالما و به قصد رهایی از عواقب رفتار مجرمانه، منبع اصلی درآمدهای حاصل از اعمال مجرمانه را مخفی نگه داشته و به این درآمدها جلوه های پاک و حاصل از اعمال قانونی می بخشد

۲. معیارهای دادگاه برای تشخیص دام های ناعادلانه

دادرسی هنگامی منصفانه خواهد بود که بی طرفی دادگاه به عنوان یک اصل کلی، به رسمیت شناخته شود (احمدی، ۱۳۹۶:۱۰۷). یکی از معیارهای تشخیص بی طرفی دادگاه ها، بررسی دام های اجرا شده توسط پلیس است. اصلی ترین نکته ای که دادگاه در برخورد با متهمی که در جریان یک عملیات مخفی دام گستری به دام افتاده مواجه می گردد این است که مشخص سازد آیا متهم در دامی عادلانه گرفتار شده یا قربانی دامی ناعادلانه بوده، بدین جهت لازم است دادگاه ها معیارهایی برای تشخیص دام های ناعادلانه داشته باشند عمده ترین این معیارها توجه به مفهوم ایجاد جرم و مقوله عملیات پیشگیرانه قابل قبول است که در ادامه به تشریح آن ها خواهیم پرداخت.

۲،۱ ایجاد جرم^{۱۲}

مبارزه ی عملی با جرم و جنایت مستلزم این است که اختیارات گسترده ای به پلیس اعطاء شود تا آن ها بتوانند به طور موثر به شناسایی و دستگیری فعالیت های مجرمانه بپردازند (Jaros, 2014: 1149). یکی از این اختیارات بهره گیری از تله گذاری و توسل به دام گستری است اما انتقاد اصلی به دام گستری این است که پلیس نباید با هدف مجازات افراد، آنان را به ارتکاب جرم وادار سازد. با این حال، در نگاه اول مشخص نیست که "ایجاد" جرم دقیقاً به چه معناست. در یک معنا، می توان گفت که تمام متهمینی که در نتیجه ی انجام عملیات های پیشگیرانه توسط پلیس دستگیر می شوند، به نوعی به ارتکاب جرم وادار شده اند. برای مثال، شخصی که اقدام به دریافت رشوه از افسر پلیس مخفی نموده واضح است که در نبود مداخله ی پلیس، وی مرتکب جرم اتهامی خود نشده و آن رشوه را از آن فرد در آن زمان خاص دریافت نمی نمود. به هر حال، دادگاه ها از شیوه هایی متفاوت، اما مرتبط، برای درک مساله ی ایجاد جرم سود می برند: (۱) متهم بدون مداخله پلیس مرتکب همان نوع از جرم نمی شده است؛ (۲) متهم به ارتکاب جرم "تحریک شده" یا "کشانده شده" است، نه این که صرفاً "فرصتی" برای ارتکاب جرم در اختیارش قرار گیرد؛ و (۳) متهم "مجرمی واقعی" نبوده که سابقاً در انجام فعالیت های مجرمانه مشارکت داشته باشد، بلکه تنها به علت وجود پلیس به ارتکاب جرم وسوسه شده است. (Squires, 2006: 356) یک فرض دیگر این است که دام گستری تنها زمانی مشروعیت داشته و از لحاظ اقتصادی با صرفه است که به جای ایجاد جرم، به تغییر مکان و زمان وقوع آن بسنده کند (LEVANON, 2016: 39) بنابراین اگر متهم در صدد ارتکاب جرم باشد و پلیس تنها فرصت ارتکاب جرم را در اختیار متهم قرار دهد بدون اینکه او را تحریک و تشویق به ارتکاب جرم کند و اینکه رفتار

^{۱۲}Cause Crime

مرتکب حاکمی از حرفه ای بودن او در ارتکاب جرم باشد پلیس را نمی توان ایجاد کننده جرم دانست، زیرا، عملیات هایی که متهمین با آمادگی موقعیت محور را به دام می اندازند جرم جدیدی را ایجاد نمی کنند (Roth,2014:1025) البته پلیس باید در رفتارهای ابرازی خودت دقت داشته باشد زیرا اگر در عملیات های مخفیانه رفتارهای خاص یک بزه القاء شود این فکر ایجاد خواهد شد که دولت در حال ایجاد جرم است (Tinto,2012:1421) ما در ادامه به عمده ترین شیوه هایی که دادگاه برای نقش پلیس در ایجاد جرم قائل است اشاره خواهیم نمود.

۱,۱,۲ توجه دادگاه به اینکه آیا جرم اقتصادی بدون مداخله پلیس به وقوع می پیوست؟

هر چند که توسل به مخفی کاری و زمینه چینی با هدف پیش گیری از جرم و بازداشت مجرمان در بسیاری از موارد جزو ملزومات کار مامورین اعمال قانون است، اما هنگامی که آغازگر نقشه جرم خود مامورین دولت باشد و وضع به گونه ای دیگر خواهد بود. (Roth,2014:998) زیرا مامورین مخفی می بایست به آن گروه از فعالیت های مجرمانه که پیش از مداخله پلیس آغاز شده اند "ملحق شده" یا به آن "نفوذ کنند"، و در غیر این صورت، اقدامات پلیس به عنوان عامل "آغاز کننده" ی رفتار مجرمانه به حساب خواهند آمد (Constantino,2017:489). اینجاست که در اولین قدم دادگاه باید این سؤال را طرح نماید که آیا جرم بدون مداخله ی پلیس امکان تحقق داشته یا خیر؟ آیا پلیس باعث وقوع جرمی شده است که در حالت معمول قاعدتا به وقوع نمی پیوست؟ همچنین دادگاه با این پرسش روبروست که آیا متهم بدون مشارکت عوامل دولت نیز مرتکب جرم می شد یا خیر؟ (Tinto,2012:1429) اگر دام برای یک "فرد عادی" طراحی شود به طور معمول چون هیچگاه چنین فردی خود را با امکان جرم پولشویی مواجه نمی بیند، چه برسد به این که بخواهد همچون برخی متهمین، فرصتی برای ارتکاب جرم اقتصادی در اختیار داشته باشد. قاعدتا دادگاه به این نتیجه خواهد رسید که چون اولاً متهم مورد نظر، خود را با "فرصتی خارق العاده" روبرو دیده و در دام آن افتاده است و ثانياً در جایگاه ارتکاب جرمی اقتصادی نبوده یقیناً باید بدین نتیجه رسید که پهن نمودن دام برای دستگیری چنین شخصی یک دام گسترده نامشروع است. اما در دام انداختن متهمینی که جهت مشارکت در انجام عملیات پولشویی به توافق دست یافته اند و این توافق را عملی نموده اند را نمی توان "به دام افتاده" در تله ای نامشروع دانست، چرا که این متهمان از سازمان دهندگان عملیات پولشویی بوده اند. در واقع مشروعیت دام گسترده به میزان انحراف آن از مسیر پیش بینی شده و مورد انتظار حوادث بستگی دارد. اگر مسیر واقعی حوادث (یا همان مسیر دام گسترده) با مسیر مورد انتظار شباهت هنجاری داشته باشد، دام گسترده از مشروعیت برخوردار خواهد بود. اما اگر مسیر واقعی حوادث از مسیر مورد انتظار منحرف شود، مشروعیت دام، زیر سؤال خواهد رفت. (Levanon,2016:38) در مثالی دیگر؛ مطابق مقررات یوسی پی بانک ها موظفند اسناد ارائه شده را صرفاً حسب ظاهر مورد بررسی و تطبیق قرار دهند؛ از سوی دیگر وفق قوانین مبارزه با پولشویی از بانک ها انتظار می رود، مشتریان خود را بشناسند از کسب و کار ایشان اطلاع داشته باشند و یک تصویر و شرح مختصری از نحوه ی انجام و پیشبرد کسب و کار مشتریان در اختیار داشته باشند، بسیاری از معاملاتی که هدف پولشویی را دنبال می کنند، مشتمل بر استفاده از اعتبارات اسنادی هستند (کوئر آلن، ۱۹:۱۳۹۸) حال

فرض کنید پلیس به بانکدار، مراحل مختلف استفاده از اعتبارات اسنادی به منظور پولشویی را آموزش داده و به او اطمینان دهد که هیچکس از این معامله خبر دار نشده و به این طریق می‌توان پول هنگفتی را به دست آورد. اینجاست که و سوسه‌ی ارتکاب این عمل مجرمانه اکنون از هر زمان دیگری برای او واقعی‌تر جلوه می‌کند. بنابراین می‌توان گفت این همان فرصتی است که پلیس ایجاد کرده در نتیجه جرم این شخص، به دست دولت ایجاد شده است و بر طبق این مفروضات، دادگاه برای جلوگیری از محکومیت فرد به دام افتاده، باید اقدام به مداخله‌ی قضایی نماید. به عبارتی وی خود را با فرصتی "استثنایی" مواجه می‌بیند که قبلاً هرگز با آن روبرو نشده و در حالت عادی نیز هیچگاه امکان رویارویی با چنین فرصتی را نداشته است؛ در واقع این فرصتی است که پلیس برایش ایجاد کرده است. در نتیجه، می‌توان گفت که جرم او "به دست دولت ایجاد شده است"، و بر طبق مفروضات، دادگاه برای جلوگیری از محکومیت او همچنان که گفته شد باید اقدام به مداخله قضایی نماید. اگر فشار هیدرو استاتیک را پلیس و سد را انسان قلمداد کنیم، باید گفت که فشار هیدرو استاتیک ناشی از وزن سیال ساکن، باعث به وجود آمدن نیروها و گشتاورهای بزرگی روی سازه‌های بسیار عظیم سدها می‌شود (شیمز، ۱۳۸۶: ۳۵). بنابراین نمی‌توان منکر فشار پلیس، به مضمون شد، با دقت در این موازنه می‌توان گفت که نقش پلیس در ایجاد این پولشویی را نباید نادیده گرفت و همه‌ی تقصیر را متوجه بانکدار نمود. این نمونه‌ای سر راست از دام گسترده نام‌شروع است. زیرا ممکن است چنین پیشنهادی هرگز به عنوان یک گزینه‌ی معنادار و ممکن در برابر وی قرار نداشته و اگر از پیشنهاد پلیس صرف نظر کنیم، این فرد هیچ دورنمای واقع بینانه‌ای از طرز استفاده از اعتبارات اسنادی را در ذهن خود نداشته باشد. در واقع این پلیس است که ساز و کار عملیات را به متهم توضیح می‌دهد و در خصوص خطرات احتمالی و سود بالقوه هنگفتی که انتظارش را می‌کشد متهم را توجیه می‌کند.

۲،۱،۲ توجه دادگاه به اینکه آیا متهم به وسیله‌ی پلیس به ارتکاب جرم، تحریک شده؟

در این خصوص باید بر دو مورد تاکید ویژه داشت اول باید بر میزان آزادی انتخاب متهم تاکید کرد ثانیاً به بررسی ماهیت مشوق‌های پلیس پرداخت.

۲،۱،۲ تمرکز بر میزان آزادی متهم

از جمله اهداف قوانین کیفری در اکثر کشورها، حمایت از حقوق شهروندان است و یکی از موارد حمایت از حقوق شهروندی آن است که مجازات را "تنها محدود به آن گروهی نمایند که به طور ارادی دست به قانون شکنی زده‌اند" اراده در لغت، خواستن، طلب کردن و انجام کار از روی میل و قصد است (عمید ج ۱، ۱۳۸۱: ۱۰۶) و در نتیجه می‌توان ادعا کرد که افراد تنها به واسطه‌ی رفتاری ارادی که از خود بروز داده‌اند، مستحق مجازات هستند. به عبارتی مجازات یک شخص زمانی عادلانه خواهد بود که او قانون را با اراده‌ی آزادانه خود زیر پا بگذارد (Duff, 1993: 374) پس فقط اقدامات آزادانه‌ی انتخاب شده توسط فرد می‌تواند مبنای مسئولیت کیفری باشد به عبارتی، زمانی که ما حکم بر مسئولیت اخلاقی فردی صادر می‌کنیم، فرضمان این است که او هنگام انجام فعل، فاعلی آزاد بوده است (صباغی پور و توکلی، ۱۳۹۵: ۱۶۲) زیرا اراده آزاد، لازمه

مسئولیت اخلاقی است (صباغی پور و توکلی، ۱۳۹۵:۱۶۹) با این وجود، تصمیم گیری در این باره که آیا رفتاری معین، حاصل "انتخاب آزادانه" بوده یا خیر، کار چندان ساده و سرراستی نیست، زیرا فروید رفتار ما را محصول تنش و منازعه میان نیروهای نادیدنی روان پویایی می داند (مارش، ملویله، مورگان، نوریس و والکینگتن، ۱۳۹۳:۱۳۰) به عبارتی همچنان که آسیب مغزی یکی از بزرگترین چالش های سلامتی امروز است، اما درک فیزیکی ما از علت این آسیب محدود می باشد (Laksari, Kurt, Babae, Kleiven, Camarillo, 2018, 1) در رفتارهای مجرمانه نیز وضعیت به همین منوال است چرا که درک ما از علت ایجاد رفتار مجرمانه بسیار محدود است بنابراین به راحتی نمی توان شخصی که تحت تاثیر رفتارهای پلیس مخفی مرتکب جرم شده را به طور تام مسئول قلمداد نمود. اینجا است که به یکی دیگر از شیوه هایی که دادگاه ها برای نقش پلیس در "ایجاد" جرم قائل هستند می پردازیم و آن، این است که متهمین بر طبق میل و اراده ی شخصی خود عمل نکرده، بلکه در نتیجه ی "کشانده شدن" یا "تحریک شدن"، دست به عمل مجرمانه زده اند. این همان دام گستری ناعادلانه بوده که ناقض ماده ۶ کنوانسیون حقوق بشر اروپاست. (Akintayo, 2012: 37) تحریک در لغت به معنای به جنبش درآوردن است (معین، ۱۳۸۷: ۲۷۰) در واقع همان توصیه و تشویق مجدانه و تزریق افکار مجرمانه برای مصمم کردن دیگری برای ارتکاب جرم معینی است (ولیدی، ۱۳۸۸: ۳۲۴) تحریک تاثیر و نفوذ بر روی فکر و اندیشه دیگری به روش های مختلف و سوق دادن وی به ارتکاب جرم بوده به طوری که مرتکب با اراده و رضایت باطنی و متاثر از فعل و اادار کننده، مرتکب جرم گردد (سالار زائی و بوستانی، ۱۳۸۶: ۴) اگر و سوسه ارائه شده از سوی پلیس، آنچنان قدرتمند و پرکشش باشد که عملا مقاومت در برابر آن امکان پذیر نبوده می توان گفت که متهمین به نوعی توسط پلیس مجبور به ارتکاب جرم شده اند. مثل پیشنهاد رشوه ای هنگفت برای ایجاد اخلاخل عمده در بازار اقتصادی. البته برخی معتقدند، آن گروه از متهمینی که در واکنش به تحریکات و تشویقات پلیس "آزادانه" عمل می کنند نمی توانند مشمول شرط دام گستری باشند. زیرا داوطلبانه و ارادی عمل کرده اند. بدین سبب، طعمه دام گستری پلیس نبوده اند. بنابراین اگر آزادی اراده ی متهم به واسطه ی هر نوع فشاری تضعیف یا خدشه دار نشده باشد، بلکه متهم "کاملا آزادانه خود را در موقعیتی که در برابرش قرار داشته جای داده باشد"، پذیرش ادله کیفی بلا مانع و منصفانه خواهد بود. علی رغم این ها، درک درست تمایز میان اعمال انتخابی "آزادانه" و "غیر آزادانه" در این بافت معنایی خاص بسیار دشوار است. هر چند انسان دارای اراده و قدرت انتخاب می باشد لیکن این قدرت انتخاب می تواند تحت تاثیر عوامل درونی و بیرونی محدود گردد. بنابراین تصور اختیار یا آزادی مطلق، امر قابل قبولی نیست (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۲: ۸۴) زیرا اولاً مختار کسی است که آنچه می خواهد، آزادانه برگزیند (اردبیلی ج ۲، ۱۳۹۲: ۱۷۲) ثانياً برای آنکه پدیده ی جنایی به ظهور برسد کافی نیست که انسان فقط از اراده برخوردار باشد بلکه باید اراده ی او آزادانه و خودآگاه باشد، به عبارت دیگر، فاعل جرم در رفتار انتسابی باید اراده ی کامل داشته باشد (اردبیلی ج ۱، ۱۳۹۲: ۳۸) و این در حالیست که عمل پلیس بدون تردید بر تصمیم آزادانه ی فاعل بی تاثیر نیست (اردبیلی ج ۲، ۱۳۹۲: ۱۷۹) فرمولی که در اینجا می توان به کار برد طرح این سؤال است که مرتکب چه کرده است؟ در اینجا با ملاحظه ی ظواهر می توان تشخیص داد که آیا مرتکب آزاد بوده یا خیر (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۳۰) به عنوان مثال مامورین مخفی ممکن است

خود را در لباس پول شو جا زده و مجرمین را ترغیب به استفاده از "خدمات پول شویی" خود کنند. این دام را نیش زدن به کار آفرین جنایی^۳ می نامند در این نوع عملیات ها، مبالغی که به منظور پول شویی عرضه می شوند عایدات واقعی حاصل از جرم هستند. با وجود این که برای طراحی و اجرای عملیات های نیش معکوس^۴ غالباً باید منابع قابل توجهی را صرف کرد، این دست عملیات ها امکان شناسایی مجرمین مشخص و منبع سرمایه های آنان و همینطور شناسایی و ردیابی دارایی های حاصل از فعالیت های مجرمانه را به پلیس خواهند داد. همان طور که می دانیم یکی از حوزه های حساس مرتبط با پولشویی، بانک ها و قوانین و سیستم حاکم بر آن هاست که به عنوان یکی از فعالترین و مهم ترین کنشگران عرصه ی اقتصاد مطرح هستند از این رو ایجاد بانک ها یا موسسات مالی ساختگی می تواند نقش مهمی در کشف جرایم مربوط به پولشویی را ایفا کند به عنوان مثال در پرونده ی ماتیسسن در کانادا^۵، مامورین پلیس در نقش پول شویک شرکت مالی ساختگی به اسم Aroga Financial را به مجرمین معرفی کرده و از آن ها خواسته بودند که از خدمات این شرکت استفاده کنند. هزینه های کارمزد و خدمات شرکت آروگا به قدری بالا بود که مشتری های قانونی را به خود جلب نمی کرد، بلکه مشتریان اصلی این شرکت تنها افرادی بودند که تمایل به شستن عایدات حاصل از فعالیت های مجرمانه خود داشته و حاضر بودند هزینه بیشتری برای خدماتی از این دست پرداخت کنند. (Bell, 2002: 333) در واقع مراجعه متهم به بانک، خود گویای آن است که وی با اراده آزاد به بانک مراجعه نموده و قصد تطهیر عواید نامشروع را دارد. پس دام طراحی شده برای وی، یک دام کاملاً مشروع است. فرمول بعدی توجه به آنچه است که می بایست رخ می داد در این حالت رفتارهای مرتکب که مدعی ناآگاهانه بودن آن است به عنوان رفتاری ارادی قلمداد می شوند (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۳۱) به عنوان مثال کسی که در حال ارتکاب جرم اقتصادی بوده هیچ گاه نمی تواند برای فرار از مسئولیت کیفری خود به فقدان اراده در زمان ارائه ی وسوسه از سوی پلیس استناد نماید در واقع چون وی در حال ارتکاب جرم بوده باید عواقب این رفتار خود را نیز بپذیرد با این توضیح که مبنای مسئولیت کیفری او در این حالت، رفتاری نیست که در زمان وسوسه پلیس انجام داده بلکه رفتاری است که پیش از وسوسه از وی سرزده نکته ی بعدی اینکه اگر پلیس به صورت مصنوعی ذهنیت اشتباهی را نسبت به خطرات یا سود بالقوه در انتظار متهمین برای افرادی ترسیم نماید هر چند نمی توان "ارادی بودن" رفتار آنان را زیر سوال برد. اما اگر متهم بتواند اثبات نماید که "تحت فشار قرار گرفته"، "متقاعد شده" یا "وادار گشته"، می توان گفت که این فرد اعمال خود را "آزادانه" انجام نداده است، بنابراین چنین فردی می تواند مدعی شود که تحت فشار وادار به ارتکاب جرم شده است. اما واقع این است که اگر مرتکب فرصت و مجال کافی برای تطبیق عمل خود با قانون را نداشته باشد اصولاً باید گفت که رفتار وی در حالت آزادی اراده صورت نگرفته و باید به عنوان یک رفتار غیر ارادی به آن توجه کرد (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

۲، ۱، ۲، بررسی ماهیت مشوق های پلیس

^۳Stinging the criminal entrepreneur

^۴reverse sting

^۵Canadian case of R v Matthiessen

برانگیختن فعالیتی مجرمانه، هرگز جزو وظایف یک مامور مخفی نبوده و نخواهد بود (Ross,2008,251) با این وجود پلیس از مشوق هایی استفاده خواهد نمود که می تواند تداعی گر نوعی برانگیختن باشد. واکاوی این مشوق ها، زمانی در دستور کار دادگاه ها قرار می گیرند که درستی یا نادرستی آن ها، در حاله ای از ابهام باشد. در واقع دادگاه مشوق هایی را مورد بررسی قرار خواهد داد که بیش از حد مصرانه، غیر منصفانه یا افراطی باشند. اگر نتیجه بگیریم که مثلاً مقدار سود بالقوه ی پیشنهاد شده از سوی پلیس آن چنان هنگفت بوده که بتوان آن را در دسته ی عوامل تحریک کننده ی جرم جای داد، در این صورت می توان گفت که فرد، قربانی دام گستری نامشروع شده است. به عنوان مثال خدمات دهندگان و تامین کنندگانی در چرخه ی قانونی اقتصاد فعالیت دارند که حاضرند در برابر دریافت مبالغی هنگفت خدمات خود را برای مجرمین سازمان یافته تامین نمایند (Kruisbergen,Leukfeldt,Kleemans and Roks,2019:578) اگر پلیس به شرکت های خودرویی که هیچگونه ظنی در مشارکت در پولشویی نداشته مبالغی هنگفت پیشنهاد داده تا در پولشویی و تطهیر درآمدهای نامشروعی که به او عرضه داشته مشارکت کند و راه های تطهیر را نیز به مدیران شرکت آموزش دهد، یقیناً این دام، دامی نامشروع است. یا در خصوص جرم اقتصادی دیگر به نام رشوه یکی از مهم ترین تله هایی که برای کشف این جرم بکار برده می شود، آزمون های صداقت تصادفی می باشد. تسهیل جرایم توسط پلیس مخفی انواع مختلفی دارد از جمله ی این موارد آزمایش تصادفی فضیلت است (Bronitt,2004:37) در واقع مهم ترین تله ای که برای کشف جرم اقتصادی رشوه بکار برده می شود همین آزمون های صداقت تصادفی می باشد از جمله عملیات هایی که در آن پلیس اقدام به تست فضیلت افراد نمود عملیات عبسکم^۴ است این عملیات یکی از برجسته ترین و بحث برانگیز ترین عملیات های مخفی است که به اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ میلادی برمی گردد (Anello and Glaser,2016:57) در این عملیات نمایندگان کنگره آمریکا و دیگران به دریافت رشوه ترغیب شدند (Braithwaite,Fisse and Geis,1987:6) در واقع این عملیات از جمله عملیات های مخفی (Möller and Giernalczyk,2017:112) و یکی از عملیات های محرک پلیس FBI است (Reimer and wayne,2011:163) که نوعی آزمایش صداقت بوده و برای ریشه کن نمودن فساد سیاسی و اقتصادی طراحی شده بود (Wachtel,1992:143). از آن جا که رشوه یک جرم مخفی و نامرئی است همین نامرئی بودن آن موجب به کارگیری عملیات عبسکم علیه سیاستمداران شد (Braithwaite,Fisse and Geis,1987:25) مامورین FBI با کمک و اینبرگ^۵ از کلاهبرداران بد نام و پرآوازه که قبلاً به اتهام کلاهبرداری پستی محکوم شده بود، خود را به عنوان نمایندگان قانونی دو شیخ ثروتمند عرب جا زد. این طور که پیداست شیخ های عرب قصد داشتند به ایالات متحده مهاجرت کرده و در زمینه املاک و مستغلات و چند تجارت دیگر سرمایه گذاری کنند. هدف از انجام این عملیات جذب آن تعداد از مقامات دولتی بود که حاضر بودند به شیخ ها در تحقق برنامه های شان کمک کرده و در ازای همکاری با آن ها، مبالغ زیادی ر رشوه دریافت نمایند. نمایندگان شیخ های عرب ابتداً موفق شدند توجه آنجلو اریکتی^۶، سیاستمداری اهل نیو جرسی که

^۴Operation ABSCAM
^۵Weinberg
^۶Angelo Errichett

مدعی بود افراد زیادی را از میان تبهکاران حرفه ای می شناسد، و هاوارد کرایدن^۱ از وکلای دادگستری اهل فیلادلفیا که به دنبال تامین منابع مالی برای راه اندازی مرکز قماری در آتلانتیک سیتی^۲ می گشت، به خود جلب کنند. این دو پس از اطلاع از قصد شیخ ها برای سرمایه گذاری در امریکا، "اتحادی را شکل دادند" تا از این طریق بتوانند آن تعداد از مقامات رسمی را که حاضر بودند از جانب شیوخ عرب بر دیگر مسئولین دولتی تاثیر بگذارند، به سوی خود بکشانند. در نتیجه این عملیات عده ای محکوم شدند. البته برخی ممکن است بیان کنند که دریافت رشوه حتی اگر با پافشاری رشوه دهنده همراه باشد نمی تواند به معنای کشانیده شدن فرد به سمت ارتکاب جرم تعبیر شود. اما می توان بر این نظر ایراد گرفت زیرا فهم این دشوار نیست که تحت چه شرایطی می توان کسی را مرتکب تلقی نمود. مرتکب کسی است که با کنش خویش سبب رخداد معینی مانند مرگ یا جراحت دیگری می شود که در قانون کیفری ذکر شده است البته آن به این معنا نیست که مرتکب بایستی تنها سبب چنین رخدادی باشد (اگر الف زمانی که چراغ قرمز است، توقف نکند و در نتیجه با ب تصادف کند که هنگام سبز بودن چراغ حرکت کرده است، آنوقت الف و ب با هم سبب وقوع این تصادف شده اند) اما آن به این معنا نیست که رخداد مذکور بدون کنش الف هرگز رخ نمی داد. اینکه کسی با کنش خود سبب وقوع رخداد معینی است، لزوما دلالتی بر این ندارد که او به طور مسئولانه ای سبب آن شده است. برای مثال اگر کودکی به طور کاملاً پیش بینی ناپذیری به سمت خودروی من بدود و من وی را به طور اجتناب ناپذیری زیر بگیرم و بکشم آنوقت هرچند من سبب مرگ او خواهم بود، اما مسئولیتی در قبال این مرگ نخواهم داشت (هرستر، ۱۳۹۷: ۹۱) بدین ترتیب اگر پلیس با تکرار فرصت های مجرمانه یا به کارگیری و سوسه های قدرتمند سبب وقوع جرمی اقتصادی شود باید گفت که جرم اقتصادی یقیناً بدون اقدام پلیس، هرگز رخ نمی داد. در این صورت، هرچند مرتکب با کنش خود، مرتکب جرم شده اما او به تنهایی، سبب انجام این جرم نبوده. چراکه برخورد پلیس، همیشه (یا تقریباً همیشه) یکی از عوامل موثر بر تصمیم متهم برای ارتکاب جرم بوده است (Levanon, 2016: 43)

۳,۱,۲ لزوم دقت دادگاه به اینکه آیا ارتکاب جرم پیش از تعامل با پلیس صورت گرفته یا خیر؟

دادگاه ها با مشکل دیگری نیز دست و پنجه نرم می کنند و آن دشواری تشخیص این است که آیا متهمین پیش از رویارویی با پلیس بخشی از دنیای جرم و جنایت بوده اند یا خیر.

پلیس از این توانایی بهره مند است که مشوق هایی را عیناً باز سازی کرده و فرد مد نظر خود را به رویارویی با آن ها وادار سازد. بنابراین دادگاه لازم است این پرسش را مطرح نماید که آیا متهم پیش از تعامل با افسران پلیس به ارتکاب جرم اقتصادی اشتغال داشته است یا خیر؟ اگر مشخص شود که متهم از پیش نیز به ارتکاب جرم اقتصادی مشغول بوده، آن گاه نمی توان عملیات پیشگیرانه ی پلیس را علت ایجاد کننده ی جرم به حساب آورد. برای اینکه بهتر تشخیص دهیم دام بکار گرفته شده دامی صحیح بوده یا خیر باید این پرسش را مطرح کنیم که آیا فرد در دام افتاده جزئی از خرده فرهنگ جرایم اقتصادی بوده یا خیر؟ اگر متهم خود، جزئی از

^۱Howard Criden

^۲Atlantic City

فرهنگ جرایم اقتصادی محسوب شده و خود عمیقا با جرایم اقتصادی درگیر باشد آن گاه چون متهم به طور معمول انتظار رویارویی با فرصتی را که پلیس پیش روی او نهاده می کشیده و به همین دلیل است که نمی توانیم او را قربانی دام گستری نامشروع بدانیم. بلکه دامی که برای او پهن می گردد، می تواند یک دام مشروع قلمداد گردد. اینجاست که حقیقت یاب باید مشخص کند که آیا احتمال دست زدن متهم به جرم بر معیار قطعیت منطبق هست یا خیر اگر پاسخ به این پرسش آری باشد دام گستری مشروع قلمداد می شود. (Levanon,2016:53) در چنین شرایطی، پلیس تنها فرصتی را برای بروز مجرمیت موجود متهم در اختیار وی می گذارد. بدین ترتیب عملیات مخفی در جایی معتبر است که مامور مخفی به فعالیت های جنایی در حال وقوع بپیوندد (Normore,2015:166) به عبارتی این عملیات ها باید در افشاگری جنایتکاران جدی جامعه وجود داشته باشد. به عنوان مثال یکی از دام های مهم در جرم پولشویی، نیش زدن به پولشوائی باشد در این نوع از عملیات، مامورین پلیس خود را به عنوان مجرم معرفی کرده و از پول شو می خواهند که "عایدات حاصل از جرم" را برایشان اصطلاحا بشوید. در این نوع عملیات ها، مبالغی که برای پول شوئی عرضه می شوند در حقیقت عایدات حاصل از جرم نبوده و تنها این گونه وانمود می شود که این مبالغ از راه فعالیت های مجرمانه به دست آمده اند و در واقع عایدات "ساختگی" هستند. (Bell,2002:333) در اینجا عمل مرتکب در دستشویی عایدات و روشی که به منصفی ظهور رسانده به وضوح مجرم بودن شخص را اثبات می نماید. یا در خصوص جرم رشوه به منظور اخلال در تولید و نظام اقتصادی، یک مامور پلیس مخفی را تصور کنید که به نزد هدفی رفته، و درست همان جا و در همان لحظه، به وی پیشنهاد رشوه ای کلان برای اخلال در تولید را می دهد هدف پیشنهاد مامور را پذیرفته و از او می خواهد که پول را به چندین نفر در جاهای مختلف تحویل دهد در اینجا رفتار هدف نشان می دهد که کار این فرد یک کار تشکیلاتی و سازمان یافته بوده و احتمالا به جز مامور پلیس هر کس دیگری نیز به آن ها رشوه ای کلان پیشنهاد دهد پیشنهادش را با رعایت سایر شرایط مد نظر خود، رد نخواهند کرد. مامور با درخواست از هدف برای پذیرش رشوه مورد نظر در همان محل و در همان لحظه، در واقع به نوعی افراد غیر رشوه گیرنده را غربالگری نموده است، زیرا بیان نحوه ی واریز و ارائه ی وجه و وجود چنین تشکیلاتی نشان از آن دارد که این فرد در کار دریافت رشوه های کلان و سازمان یافته می باشد. بنابراین وجود چنین تشکیلاتی حاکی از آن است کسانی که در چنین دامی می افتند به احتمال بسیار فراوان مجرم هستند. ^{۲۲}مسئله وظیفه حقوق است که قانون و نظم را حفظ و از بی گناهان حمایت کند (کلارکسون، ۱۳۹۰:۱۳۷) اگر مشخص گردد فلان متهم، یکی "از سازمان دهندگان جرایم اقتصادی بوده و از آمادگی و میل لازم برای ارتکاب جرم اقتصادی در صورت بروز موقعیت مناسب بهره مند بوده است. چون

^{۲۲}Stinging the launderer

ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری: کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقول که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

ایشان یک سازمان دهنده‌ی فعال و مشغول به جرایم اقتصادی بوده، همین به خودی خود حکایت از استعداد وی برای تبدیل شدن به بخشی از این دنیای مجرمانه دارد". در عین حال، اگر متهمی پیش‌تر هرگز اقدام به ارتکاب جرمی اقتصادی نکرده باشد و "آن چنان از این جرم نیز سر در نیاورد". واضح است که شخصیت متهم در تلاش قضات برای تعیین نقش پلیس در فراهم آوردن زمینه‌های وقوع جرم نقشی کلیدی را ایفا خواهد کرد. دادگاه‌ها به ویژگی‌های فردی و شخصیتی متهمین توجه می‌کنند، و در این باره تصمیم می‌گیرند که آیا وقوع یک جرم خاص، نمود ظاهری مجرمیت ذاتی و درونی متهم بوده، یا صرفاً پلیس موجبات تحریک آن را فراهم نموده است، اما باید دید راهکار دادگاه‌ها برای تمییز میان، یک "مجرم واقعی"، و متهم "در حالت عادی بی‌گناه"، چیست؟ یک احتمال این خواهد بود که بدانیم آیا متهمین در گذشته مرتکب اعمال مجرمانه شده بوده‌اند یا خیر. البته دادگاه‌ها تمایلی به فکر کردن به این احتمال ندارند. ممکن است تنها دلیلی که نشان می‌دهد شخصی سابقاً یک فرد فعال در زمینه جرایم اقتصادی بوده این باشد که اسم او از طرف خبرچین به یک افسر مخفی پلیس داده شده باشد. و این در حالیست که بسیاری از مخبرانی که در عملیات‌های نیش و تله‌گذاری استفاده می‌شوند غالباً افرادی غیر قابل اعتماد بوده که در برخی موارد دارای سوابق کیفری بوده‌اند این افراد علاقه‌ی زیادی به تولید نتیجه برای پلیس دارند چه بسا ممکن است مخبرین به دروغ مدعی شوند که افراد مظنون به ارتکاب جرم هستند. (Field, 2016:4) همچنین ممکن است قضات به این نتیجه برسند که متهم یک فرد فعال در زمینه‌ی جرایم اقتصادی بوده، بی‌آن‌که به مدارک و شواهدی مشخص مبنی بر اشتغال وی به جرایم اقتصادی اشاره‌ای کنند، بلکه تنها بر این اساس که نامبرده "یک مجرم شناخته شده‌ی جرایم اقتصادی بوده و جزئی از فرهنگ جرایم اقتصادی بوده" و "عمیقاً خود را درگیر دنیای زیرزمینی این جرایم کرده است" معتقد به مجرم بودن او باشند، به همین شکل، ممکن است مدرک دال بر فعالیت یک متهم در عرصه‌ی جرایم اقتصادی، آشنایی او با دنیای این دسته از جرایم اعلام شود. در عین حال، یک متهم دیگر به این دلیل مجرم اقتصادی قلمداد نگردد که نشانه‌ای دال بر فعالیت وی در دنیای این جرایم وجود نداشته باشد. ظاهراً آن چه قضات به آن می‌اندیشند این است که متهمین "مجرم" هستند، نه به این خاطر که در زمان محاکمه، ارتکاب اعمال مجرمانه تحت شرایط و موقعیت‌های خاص به وسیله‌ی آن‌ها به اثبات رسیده باشد، بلکه به این سبب که این افراد ویژگی‌های مشخصی را به نمایش می‌گذارند، فرض کنید شخصی یک مرکز برنزه کردن را ایجاد نموده، پلیس از طریق مخبرین متوجه می‌شود که مدیر یک مرکز برنزه نمودن، درآمدهای حاصل از قاچاق گسترده مواد مخدر را از طریق تاسیس یک مرکز برنزه نمودن، تطهیر می‌نماید، پلیس برای صحت این ادعا اقدام به طراحی تله‌ای نموده و با مراجعه به مدیر این مرکز و طی رفت و آمدهای فراوان از وی می‌خواهد که درآمدهای غیر قانونی او را نیز تطهیر کند، بعدها بر پلیس مشخص می‌گردد که مدیر با استخدام مشتری‌های صوری و پرداخت مبلغی به آن‌ها به صورت کاملاً صوری اقدام به برنزه کردن مشتریان می‌نماید در واقع مدیر با این روش تمامی پول‌های پلیس را تطهیر نموده و اینچنین قلمداد می‌نماید که منشأ این پول‌ها از محل انجام خدمت به مشتریان حاصل گشته در اینجا ویژگی و روش خاصی که مدیر مرکز به نمایش گذاشت، حکایت از مجرمیت وی داشته و تله‌ی پلیس به درستی طراحی شده است. از این رو، آن چه دادگاه‌ها دنبال

می کنند شناسایی نوعی مجرمیت درونی است که نه از طریق اثبات دخالت متهمین در ارتکاب جرمی که به آن متهم شده اند ثابت می شود و یا نه حتی به واسطه ی ارتکاب اعمال مجرمانه ی مشخص در گذشته.

۲,۲ توجه دادگاه به مولفه های عملیات پیشگیرانه ی قابل قبول

عملیات پیشگیرانه ای قابل قبول خواهد بود که در آن دادگاه ها به ملزومات بهره گیری از عملیات های مخفی توجه نموده و بتواند منطقی بودن راهبرد پلیس را اثبات نماید، برای این منظور لازم است، ماهیت جرم مورد تحقیق و معقول بودن این عملیات ها مورد ارزیابی قرار گیرند.

۱,۲,۲ ماهیت جرم

پیش از آغاز هر عملیات، ابتدا باید ملزومات مختلف و متعددی احراز شوند. یکی از این ملزومات، بررسی ماهیت جرم مورد تحقیق است که می بایست به دقت مورد ملاحظه و بررسی قرار داده شود، چرا که توجه به ماهیت جرم می تواند ضرورت استفاده از عملیات های مخفی را توجیه کند، به عنوان مثال، پلیس مخفی، خصوصا در زمینه ی مبارزه با جرائم سازمان یافته و فراملی، در سطح جهانی مورد استقبال گسترده قرار گرفته است. دقیقا به همین خاطر، استفاده از شیوه های تحقیقاتی ویژه در جهت مقابله با جرم سازمان یافته از سوی پیمان علیه جرائم سازمان یافته ی فراملی سازمان ملل متحد (ماده ۲۰) مورد تاکید واقع می شود:

چنان چه اصول و قواعد ابتدایی نظام حقوقی داخلی اجازه دهد، هر یک از کشور های عضو پیمان، در حیطه ی امکانات خود و تحت شرایط مصروحه به موجب قوانین داخلی هر کشور، ملزم به اتخاذ تدابیر مورد نیاز به جهت فراهم آوردن امکان بهره گیری مناسب از توزیع کنترل شده و، در صورتی که شرایط فراهم باشد، استفاده از دیگر روش های تحقیقاتی ویژه، نظیر پایش الکترونیک یا دیگر انواع نظارت و عملیات های مخفی، به وسیله ی مقامات ذی صلاح در قلمرو اختیارات خود، با هدف مقابله موثر با جرائم سازمان یافته، هستند. (Constantinou, 2017: 488-489) افزون بر این، با عنایت به ضرورت بهره گیری از روش های ویژه ی تحقیقاتی در امر مقابله با جرائم سازمان یافته، پلیس می تواند به طور مخفیانه عمل کرده و در عین حال، مظنون یا مظنونین را به ارتکاب جرم تحریک نکند. (Constantinou, 2017: 488-489) علی ایحال جرایم اقتصادی به واسطه ی برخی ویژگی های خاص مانند سرزنش پذیری و رویت پذیری اندک، رقم سیاه بالا در عین حال گستردگی موضوع و پویایی، گستردگی دامنه خطر و کلان بودن (حطمی، ۱۴۰۰: ۴۳) از ماهیتی ویژه برخوردار بوده که به واسطه همین ویژگی ها می توان تحت شرایطی خاص به کارگیری دام ها را تجویز نمود.

۲,۲,۲ اثبات معقول بودن عملیات مخفی

یک عملیات پیشگیرانه زمانی قابل قبول است که طراحان این عملیات ها در این باره قانع شود که نتیجه ی مطلوب را . . . منطقا نمی توان از هیچ راه دیگری به دست آورد. براین اساس لازم است که عملیات های پیشگیرانه بر مبنای یک " سوطن معقول " از پیش موجود نسبت به یک فرد یا نسبت به مکانی که باور داریم

جرم در آن شایع باشد صورت گیرد. در نظر مقامات قضایی، جهات موضوعی هر پرونده از جمله گزارش ضابط، تحقیقات محلی و... می‌تواند از جمله جهات تقویت کننده ظن، نزد مقام قضایی تلقی شود. (کوشکی و دولتخواه کوشکی، ۱۳۹۸:۱۸) علت وجود این پیش نیاز صیانت از دخالت های دولت است، از این رو، ارزیابی صداقت و در ستکاری شهروندان جامعه بدون دلیل موجه برای گمان بردن به اشتغال آن ها در ارتکاب اعمال مجرمانه از وجاهت لازم برخوردار نیست. حال چنان چه عملیات های پلیس مکان هایی را هدف قرار دهند که گمان برود جرم اقتصادی در آن ها شایع باشد، دیگر مهم نیست که پلیس نسبت به فرد مشخصی که هدف عملیات بوده سوء ظن قبلی داشته باشد یا خیر مثلاً ممکن است پیش از دستگیری کسی مورد سوء ظن واقع نشود اند اما عملیاتی که به دستگیری افراد انجامیده به عملیاتی منطقی و موجه بدل شود. این مساله نشان می دهد که شرط وجود سوء ظن قبلی تنها به منزله ی راه دیگری برای ارزیابی میزان عقلانی بودن و منطقی بودن راهبرد های پلیسی به حساب می آید. بنابراین هر عملیات پیشگیرانه، برای برخوردارگی از وجاهت قانونی، می بایست به لحاظ عینی، معقول باشد. گمان منطقی باید بر مدارکی عینی و ملموس استوار باشد که نشان از برداشتن گام های اولیه برای ارتکاب عملی مجرمانه از سوی متهمی دارند که متعاقباً به جرم ارتکاب همان عمل مجرمانه تحت تعقیب قرار گرفته است (Stariene, 2009: 268). در واقع نهاد های مجری تحقیقات کیفری می بایست بتوانند نشان دهند که دلایل کافی و موجهی برای طراحی و اجرای عملیات مخفی مورد نظر داشته اند. به طور مشخص، آن ها باید مدارک عینی و مستدلی در اختیار داشته باشند که ثابت کند گام های اولیه از سوی مظنون جهت ارتکاب اعمالی که تشکیل دهنده ی جرم نهایی هستند و مظنون به اتهام آن تحت تعقیب قرار گرفته است برداشته شده است. (Brady, 2014: 8)

۳. تصمیم های دادگاه برای افراد گرفتار شده در دام های پلیسی

در ضمیر باطن هرکس، تمایلاتی کم و بیش در ارتکاب جرم وجود دارد (محسنی، ۱۳۹۳: ۵۹) از این رو جایی که جرم با اراده ی خود فرد، صورت خارجی پیدا نموده شکی نیست که خود او باید مسئول اعمالش باشد اما در صورتی که جرم تحت تاثیر پلیس شکل گرفته باشد نظرات متفاوتی در باب مسئولیت فرد ذکر شده است ما در ابتدا عقاید علمای حقوق و سپس نحوه برخورد دادگاه با چنین افرادی را ذکر خواهیم کرد.

۱،۳ عقاید علمای حقوق در باب مجازات یا عدم مجازات یا تخفیف مجازات در دام افتادگان

طبق تصور کانت^۳ آزر قرارداد اجتماعی، هرکس جنایتی را اراده کند نشان از آن است که خواهان مجازات خود نیز هست (Flanders, 2014: 317) هگل^۴ نیز معتقد است مجازات نکردن فردی که مرتکب اشتباه شده است بی احترامی به وی است (Flanders, 2014: 328) بر این اساس تاکید بر مجازات در میان اندیشمندان حقوق کیفری امری پذیرفته شده است. در ادامه به ذکر عقاید علمای حقوق در باب مجازات، عدم مجازات یا تخفیف مجازات به دام افتادگان خواهیم پرداخت.

^۳Kant
^۴Hegel

۱,۱,۳ نظریه مجازات به دام افتادگان مستحق ملامت یا مجازات به دام افتادگان به واسطه ی آزادی کامل اراده

مجازات از نمودهای قدرت دولت بر فرد و مانند آن بوده که اعمال آن به توجیه ویژه ای نیاز دارد (Zedner, 2015: 3) در واقع برای ورود عمل مجرمانه در منطقه مسئولیت کیفری باید علاوه بر جمع شرایط فاعلی، عمل مجرمانه عالما عامدا و به اختیار انجام شده باشد (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۱۸) از این رو اگر کسی کاری اشتباه را انجام داده باشد، ذاتا خوب است که به خاطر آن کار مجازات شود (Ferzan, 2011: 149)^{۲۵} باید توجه داشت که اجرای مجازات اغلب ناخوشایند است بنابراین افرادی که دیگران را مجازات می کنند ممکن است به دنبال راه هایی برای موجه کردن آن باشند (Clark, Baumeister, Ditto: 2017: 193) یکی از این راه ها این است که فرد به دام افتاده را مستحق ملامت می داند با این استدلال که اولاً اکثر مردم معتقدند که انسان ها دارای اراده ی آزاد هستند (Shariff, Greene, Karremans, Luguri, Clark, Schooler, Baumeister, Vohs, 2014: 1) ثانیاً یا رد اراده ی آزاد انسان به طور کلی انتساب مسئولیت را تضعیف کرده و در نتیجه انسان را شبیه دیگر پدیده های طبیعی قلمداد نموده که فاقد مسئولیت هستند. بنابراین فردی که به طور ارادی و داوطلبانه اقدام به ارتکاب عملی اشتباه، با تمام حالات روحی و ذهنی مورد نیاز برای ارتکاب آن عمل، کرده است.^{۲۶} شایسته ی مجازات است.

۲,۱,۳ مجازات افراد به دام افتاده به علت اثر بازدارندگی آن

از آنجا که مجازات صدماتی را به افراد وارد می کند، پس، ورود چنین آسیبی هایی باید از حیث معرفتی توجیه پذیر باشد (Caruso, 2020: 16) در مکاتب کیفری به مسئله بازدارندگی به عنوان عاملی برای توجیه مجازات توجه ویژه شده، از جمله این مکاتب مکتب کلاسیک بوده که در این مکتب، تنها دلیل توجیه کننده ی مجازات را مسئله ی بازدارندگی می دانند. (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۵: ۴۵) نظریه ی بازدارندگی مجازات معتقد است که نهاد کیفری مجازات لازم و موجه است زیرا وجود مجازات موجب بازدارندگی از جرم می شود. مثلاً یک مجرم بالقوه پس از اطلاع از عواقب احتمالی ارتکاب جرم، یقیناً برنامه ی خود برای ارتکاب جرم را رها خواهد کرد زیرا او مایل است که از عواقب ناگوار جرم به دور باشد. (Lee, 2017: 4) بدین ترتیب تئوری اساسی

^{۲۵} هرکه بدی کرد، ضمانی بداد. (نظامی، ۱۳۸۷: ۳۲۸)

^{۲۶} در نظریه فلسفی - اخلاقی، فرد انسانی دارای اراده ی آزاد فرض می شود و در نتیجه اعتقاد بر این است که شخص صاحب اراده با اختیار خود مرتکب جرم می شود و قوانین اجتماعی را زیر پا می گذارد. پس اعتقاد به آزادی اراده برای کسانی که تابع این نظریه اند یک بحث اساسی و کلیدی است. مطابق این نظریه کسی که دارای اختیار است و آزادانه قانون شکنی می کند عقلاً و منطقاً و اخلاقاً مستوجب سرزنش و مجازات است. (صفاری، ۱۳۹۰: ۵۷) با این حال تفکر تحقیقی، منکر آزادی اراده و قبل از هر چیز جبرگراست بدین ترتیب بزه را نتیجه ی جبری علل مختلف درونی و بیرونی می داند (لازرژ، ۱۳۹۵: ۷۲)

بازدارندگی به طور سنتی توجیه می‌کند که مجازات مانع از جرم و جنایت می‌شود (Azis, Marzuki and Majid, 2020:190) از این رو هدف نهایی نظریه بازدارندگی عمومی ارسال پیام برای جلوگیری از ارتکاب جرم است چیزی که ممکن است توسط مخاطبان هیچ‌گاه شنیده نشود (Azis, Marzuki and Majid, 2020:190) روشن است مجازات هر کسی که در جریان یک عملیات مخفی مرتکب خلافی شود، حتی اگر فرد به دام افتاده مجرمی غیر واقعی باشد، با منافع و مزایای فراوانی در زمینه پیش‌گیری از جرم همراه است.^{۲۷} به همین جهت برخی ادعا می‌کنند که مجازات فرد به دام افتاده منجر به افزایش ظاهری احتمال کشف جرم خواهد شد. سایدمن می‌گوید، "حتی اگر متهم به دام افتاده خطرناک نیز نباشد، زندانی کردن او می‌تواند سبب کاهش نرخ جرم به واسطه بازداشتن دیگران از ارتکاب آن جرم شود." زیرا انسان‌ها تکامل یافته‌اند تا از مجازات‌ها درس بگیرند (Clark, Baumeister, Ditto, 2017:195) دیلوف با سایدمن هم نظر بوده و می‌نویسد، "هر نوع محکومیتی، حتی محکوم کردن افراد غیر مستعد، باعث پیش‌برد هدف بازدارندگی عام می‌شود." در این صورت، مجازات افراد به دام افتاده لزوماً به معنای اتلاف منابع پلیس نخواهد بود. البته این دیدگاه از یک طرف با معیارهای حقوق اسلامی در تعارض است زیرا امام علی (ع) فرموده‌اند: چه بسا کسانی که با ستایش دیگران فریب خورده (امام علی (ع)، ۱۳۷۹:۷۳۹) بنابراین ما کُلُّ مَقْتُونٍ يُعَاتَبُ (هر فریب خورده‌ای را نمی‌شود سرزنش کرد.) (امام علی (ع)، ۱۳۷۹:۶۲۷) و از طرف دیگر با نظریه مسئولیت کیفری در تضاد آشکار خواهد بود چرا که برابر این نظریه زمانی می‌توان از مسئولیت کیفری سخن به میان آورد که ابتدا جرم واقع گردد. (صادقی و تنهایی، ۱۳۹۶:۶۲) این در حالی است که غالباً این افراد قبل از ارتکاب جرم دستگیر شده، لذا اصولاً نوبت به مسئولیت کیفری آن‌ها نخواهد رسید. به عبارتی مطابق نظریه بازدارندگی، حکومت می‌تواند از طریق افزایش احتمال دستگیری نرخ جرم را کاهش دهد (صبوری پور، ۱۳۹۸:۸۶) یکی از مواردی که موجب افزایش احتمال دستگیری افراد می‌شود، استفاده دولت از عملیات‌های مخفی، دام‌ها و تله‌های پلیسی و به تبع دستگیری مجرمین است اگر فرد دستگیر شده در دام‌های پلیسی را محکوم به مجازات نماییم، محکومیت چنین فردی، این فکر را به دیگران القاء می‌نماید که به واسطه‌ی تله‌های پلیسی، هر لحظه ممکن است آن‌ها نیز در دام پلیس گرفتار شوند. در نتیجه، قدرت بازدارندگی افزایش می‌یابد، اما به این بازدارندگی نمی‌توان امیدوار بود زیرا؛ اولاً: اگر روش‌های مخفی به صورت پيوسته منجر به بازداشت برخی خلافکاران غیر واقعی شوند، در این صورت خلافکار واقعی میزان تهدید آتی چنین روش‌هایی را به نسبت تعداد خلافکاران غیر واقعی بازداشت شده، کمتر از آن‌چه در واقعیت هست تصور خواهد کرد. بنابراین مجازات مجرمین غیر واقعی - یا همان افراد غیر خلافکار در خارج از جریان عملیات‌های مخفی - کمکی به افزایش قدرت بازدارندگی نمی‌کند. (McAdams, 2005:130) ثانیاً: افرادی وجود دارند که در مقام تصمیم‌گیری ممکن است توانایی خود برای پیش‌بینی صحیح وقایع آینده را بیش از حد واقع‌ارزیابی کنند (صبوری پور، ۱۳۹۸:۱۰۷) این افراد که

^{۲۷} قوانین کیفری به وسیله برقراری مجازات به افراد و مجرمین احتمالی هشدار می‌دهد که هر گاه مرتکب جرمی شوند سرنوشت شومی در انتظار آن‌هاست. دانشمندان معتقدند تهدید و فشاری که ترس از مجازات بر روحیه‌ی مجرمین احتمالی وارد می‌نماید بسیاری از آنان را عملاً از ارتکاب جرم باز می‌دارد. (محسنی، ۱۳۹۲:۳۰۳)

حتی خلافکاران واقعی هستند ممکن است این تصور را داشته باشند که مجرمین واقعی بازداشت شده در جریان عملیات مخفی، غیر واقعی هستند. این افراد در طولانی مدت، نیز تنها به احتمال شناسایی خود اهمیت می دهند که مبنای سنجش این احتمال نیز احتمال شناسایی افرادی مانند خودشان است. به عنوان مثال خلافکاران واقعی حرفه ای به احتمال شناسایی دیگر خلافکاران حرفه ای اهمیت می دهند. بنابراین چنین احتمالی متاثر از مجازات خلافکاران غیر واقعی نبوده و در نتیجه تأثیری بر افزایش سطح بازدارندگی نیز نخواهد داشت زیرا مجرمین دستگیر نشده به واسطه عدم دستگیری و در دام افتادن، امیدوار و خوش بین خواهند بود، همین امر منجر به شکل گیری این باور در ذهن خلافکاران دستگیر نشده خواهد شد که توانایی آن ها در دوری از دام پلیس و فرار از دستگیری بیشتر از آن چیزی است که در واقعیت تصور می شود. در قلمرو عملیات های نیش، اعتماد به نفس بیش از حد به این معناست که خلافکار نوعی به صورت قاعده مند در صد افراد بازداشت شده ای را که خلافکار واقعی هستند کمتر از آن چه واقعا هست تخمین خواهد زد. (McAdams, 2005:131) بنابراین به طور بالقوه، دام گستره منجر به افزایش وقوع جرم برای مجرمین حرفه ای خواهد شد. (Levanon, 2016:55)

۲,۱,۳ عقاید علمای حقوق در باب عدم مجازات در دام افتادگان

۱,۲,۱,۳ عدم مجازات به واسطه ی کم خطر بودن جرایم ساختگی و رفتارهای تحت کنترل

در مکتب کلاسیک بیان شده که ادله جرم باید از واقعیات استخراج شوند (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۵:۴۶) اما زمانی که خود دولت عامل ایجاد جرم است، دلایل از امور ساختگی استخراج خواهند شد، بنابراین زمانی که عامل و سوسه خود دولت باشد عمل مرتکب، جامعه را تهدید نمی کند. کاراسون با طرح این نکته که اعمال مرتکب شده در جریان یک عملیات مخفی ممکن است نتواند شرط اشتباه بودن را احراز نمایند، در تلاش برای دفاع از دفاعیه دام گستره بر می آید. (Dillof, 2004:843) تحت روایت های مجازات گرایانه ی متعددی، فرد را تنها می توان به خاطر انجام رفتاری اشتباه مورد ملامت قرار داد و رفتار تنها هنگامی اشتباه تلقی می شود که به منافع اجتماعی به رسمیت شناخته شده ی دیگر افراد جامعه آسیب رسانده یا آن ها را در معرض خطر آسیب دیدن بگذارد. با این وجود، در بسیاری از عملیات های مخفی، "جرمی که دولت به دنبال مجازات آن است... آن چنان تحت کنترل خود دولت قرار دارد که نه خبری از تجاوز به حقوق قانونی حفاظت شده است، و نه حقوقی که قانون مورد نظر سعی در حفاظت از آن ها دارد تحت هر گونه تهدید واقعی قرار دارند." بنابراین هنگامی که دولت، یا فرد یا گروه دیگری که قصد پیش گیری از جرم را دارد، کنترل و تسلط قاطعی بر محیط رفتاری داشته باشد، و از این رو خطر آسیب رسانی را مرتفع نماید، چیزی به نام رفتار اشتباه نمی تواند وجود داشته باشد. در این نوع موقعیت ها رفتار مرتکب نمی تواند اشتباه (یا ملامت پذیر) باشد زیرا، طرفین درگیر در آن عمل، به هیچ عنوان تهدیدی واقعی محسوب نمی شوند.

۲,۲,۱,۳ عدم مجازات به واسطه ی بیهودگی و بی فایده‌گی آن

هرچند در خصوص شیوه های مورد استفاده نهادهای پلیسی در تخصیص منابع، اطلاعات اندکی وجود دارد (آلبرت و داس، ۱۳۹۵:۴۱۱) اما مبرهن است که پلیس علاوه بر افزایش هزینه های حقوق و مزایا با افزایش هزینه های استخدام، آموزش و تجهیز افسران مواجه هستند (آلبرت و داس، ۱۳۹۵:۵۱۸) عملیات های مخفی با هزینه ها و منافع فراوانی همراه هستند، دفاعیه دام گستری به عنوان ابزاری برای تشویق پلیس به پرهیز از به کارگیری برخی روش های خاص می تواند سودمند تر واقع شود، مثلاً پلیس ممکن است هزینه های بسیاری را برای عملیات های مخفی صرف کرده که در نهایت می تواند تبدیل به یک ر سوابی بزرگ شود. مانند آنچه که در عملیات عبسکم دیدیم. سیستم مجازات باید عادلانه و موثر باشد (Bagaric, 2014: 1159) چرا که حکومت باید به دنبال تحمیل کردن مجازات به مجرمی باشد که به طور آشکار شدت مجرمیت فردی اش را نشان داده (جوانبخت و محمدی، ۱۳۹۵:۱۶۳) اصل جرم بیرونی می پرسد، آیا این متهم در خارج از جریان عملیات مخفی مرتکب این نوع خلاف می شد؟ اگر پاسخ ما به این سوال مثبت باشد، آن گاه به متهم، خلافکار واقعی می گویم. اگر متهم به جز در جریان عملیات مخفی در هیچ محیط دیگری مرتکب این نوع خلاف نشود، آن گاه به متهم، خلافکار غیر واقعی می گویم. اقدام دولت در مجازات آن هایی که در حالت عادی مرتکب جرم می شوند - "خلافکاران واقعی" - توجیه پذیر، و در صورتی که فرد در حالت عادی چنین نباشد - "خلافکاران غیر واقعی" - توجیه ناپذیر است. توجیه اقتصادی دفاعیه دام گستری بر این ادعاست که، گر چه مجازات خلافکاران واقعی پیامدهای مطلوبی را موجب می شود، اما مجازات خلافکاران غیر واقعی فاقد چنین پیامد هایی است. (McAdams, 2005: 127)

۳,۲,۱,۳ عدم مجازات به دام افتادگان به علت نبود نفع اجتماعی

انکار اینکه جامعه ای بتواند خود را در برابر اشخاصی که آسیب های جدی به آن وارد می کنند ایمن سازد، دشوار است (Robinson, 2001: 1432) یکی از راهکارهای جامعه برای حفظ خود، استفاده از مجازات ها بوده که علی رغم تحول اندیشه ها همچنان به عنوان ابزار مبارزه با جرم و مجرم به کار می روند (نوربها، ۱۳۸۷:۳۸۱) اما باید توجه داشت که، مجازات ها باید موثر باشند، اندیشه ی اساسی بکاریا نیز در این خلاصه می شود که کیفر باید فایده ای در بر داشته باشد. در مورد مجازات غالباً از ضرورت یا سودمندی همگانی سخن می راند لذا اعتقاد بر این است که اگر به ابزارها و گفتمان های کیفری متوسل شویم صرفاً به این خاطر است که از این رهگذر نفع و فایده ای عاید شود (رحمانیان و حبیب زاده، ۱۳۹۲:۵۲). در نبود نفعی اجتماعی، مجازات عملی بیهوده و غیر قابل دفاع انگاشته می شود. پس، اگر خلافکار در حالت عادی مرتکب جرم نشود، آن گاه اقدام دولت در برانگیختن آن جرم به وسیله اجرای عملیاتی مخفی و سپس مجازات متهم به اتهام ارتکاب همان جرم، عاری از هر گونه منفعتی است.

۳,۱,۳ تئوری تخفیف مجازات در دام افتادگان

برخی نویسندگان معتقدند اکثریت شهروندان جامعه، دام گستری را دلیلی برای عدم احراز مجرمیت متهم نمی دانند، بلکه در عوض ترجیح می دهند دام گستری را به عنوان عاملی در کاهش مجازات متهمین تصور نمایند (Roth, 2013: 1031). گاروی بر این باور است که آن هایی که در ابتدا در برابر هیجانانگیز درونی منجر به ارتکاب اعمال مجرمانه مقاومت نشان داده، اما در نهایت به آن ها تن در می دهند، مستحق این هستند که در مجازاتشان تخفیف اعمال شود (Lippke, 2014: 91). اشورث نیز معتقد است که تخفیف مجازات در مواقعی که پلیس به روش های کنشگرانه ای همچون دام گستری متوسل می شود راهکاری مناسب خواهد بود. (Levanon, 2016: 63-64) در حقوق ما، قانون مجازات اسلامی در خصوص تخفیف مجازات مقرر کرده ای را بیان داشته که در نگاه اول شاید نتوان متهم به دام افتاده را مشمول تخفیف مجازات دانست، چرا که در هیچ کدام از بندهای ماده مذکور به این امر که چنانچه جرمی تحت تأثیر تحریک مأمور، صورت گیرد مرتکب خواهد توانست از تخفیف مجازات بهره مند شود اشاره نشده است. اما باید توجه داشت که متهم ممکن است تحت تأثیر اوضاع و احوال خاصی مرتکب جرم شود. بند پ ماده ۳۸ قانون فوق الذکر به طور مطلق اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن ها مرتکب جرم شده را از موارد تخفیف مجازات شمرده است این اوضاع و احوال بسیار متعدد و دارای مصادیق فراوانی است. دو مصادیقی که در این خصوص بیان شده است جنبه حصری ندارد و دادگاه می تواند خود، مصادیق و اوضاع و احوال خاصی را پیدا کند. توجه به عبارت (از قبیل ..)، بیانگر این نکته است که قانون، دست قاضی را باز گذاشته تا موارد دیگری را هم از مصادیق کیفیت مخففه قرار دهد. ^۹ علی هذا تحریک از سوی مأمور نیز می تواند یکی از مصادیق این بند باشد. آنچه واضح و مبرهن است این است که چنانچه تحریک از ناحیه پلیس باشد متهم می تواند به استناد بند پ ماده ۳۸ و رعایت ماده ۳۷ همین قانون از موجبات تخفیف برخوردار شود. البته باید متذکر شد که اولاً توسل به تخفیف مجازات برای متهمی که گرفتار در طرح دام گستری شده، چندان صحیح نیست، چرا که توسل به تخفیف برای کسی که تنها به علت عملیات محیلانه مرتکب جرمی شده، مغایر با عدالت و انصاف است. ثانیاً در شرایط امروز که

نظارت دادگاه ها بر عملیات مخفی دام گستری در جرایم اقتصادی

^۹ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص تخفیف مجازات مقرر نموده است
جهات تخفیف عبارتند از:

- الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی
ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکاء یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای آن.
پ- اوضاع احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.
ت- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی
ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری.
ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم و یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن
چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم.
ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.

مشروعیت این عملیات ها، محل تأمل است، حق است در طرح های دام گسترانه که امکان تبرئه متهم به دلیل جرم ارتكابی وجود ندارد، به این روش تمسك جست.

۲,۳ عكس العمل دادگاه ها در برابر دام گستري نامشروع

حق بهره مندی از محاکمه عادلانه، که شرط اجرای در ست عدالت از آن استنباط می شود، صرف نظر از نوع جرم، از سراسر است ترین و ساده ترین جرائم گرفته تا پیچیده ترین آن ها، در خصوص تمامی انواع فعالیت های مجرمانه قابل اعمال است. حق برخورداری از اجرای منصفانه ی عدالت از چنان جایگاه رفیعی در میان جوامع مردم سالار بهره مند است که نمی توان آن را فدای مصالح عمومی نمود. (Stariene,2009:266) به عبارتی پیشنهاد ارتكاب جرم، حتی به افراد شرور در میان کارکردهای مشروع یک نظام اعمال قانون، جایی نخواهد داشت (Dworkin,1985:34) اگر دام گستری برای افراد در حال ارتكاب جرم اجرا گردد و همچنین اگر دام ها به درستی طراحی شده و پلیس نیز از وظایف خود تخلفی نکرده باشد قطعاً سو گیری های خاصی درباره ی مجازات فرد گرفتار در دام های پلیسی وجود نخواهد داشت به عبارت بهتر در این حالت توسل به دام می تواند نوعی ضرورت برای مبارزه با جرم قلمداد شود اما اگر دام گستری برای افرادی باشد که گمان معقولی در خصوص مشارکت آن ها در جرم وجود نداشته، مطمئناً نخستین راهکاری که به ذهن می رسد عدم پذیرش مدارک خواهد بود. (Roibu,2014:98) البته این بدان معنا نیست که دام های مشروع، نیاز به نظارت نداشته باشند در واقع هر دامی که شبهه آمیز باشد با عكس العمل دادگاه مواجه خواهد شد. مثلاً دام طراحی شده برای متهمی که در حال ارتكاب جرم بوده، هرچند مشروع قلمداد می گردد اما اگر پلیس از طرقي بر ارتكاب جرم تاثیر بگذارد، یقیناً این اقدام پلیس باید با عكس العمل دادگاه در برابر این نوع دام روبرو شود به عبارتی دادگاه باید در مجازات این فرد تامل نماید. بنابراین طرز تفکر ما نسبت به نحوه ی واکنش دادگاه به دام گستری دولتی به برداشت ما از کارکرد محاکمه های کیفری بستگی خواهد داشت. جایی که رفتار پلیس، آسیب پذیری هدف را باعث شود، دادگاه ها نباید چشم را بر ستمی که دولت ایجاد کرده است ببندد (Khoday,2013:286) ایرادی که به دام گستری وارد است این است که دولت از راه های نادر ست اقدام به تحصیل مدارک محکوم کننده علیه متهم نموده است به عبارتی دولت برای زمینه سازی جهت وقوع جرم به روش هایی ناپسند متوسل شده است. در این صورت سوال این است که با توجه به مداخله دولت در ایجاد شرایط منتهی به ارتكاب جرم مربوطه، آیا دادگاهی کردن متهم به اتهام ارتكاب چنین جرمی کار درستی است؟ و در صورت دادگاهی کردن، دادگاه ها چه عكس العملی در برابر دام گستری خواهند داشت؟ در ادامه به این پرسش ها پاسخ خواهیم داد.

۱,۲,۳ تبرئه متهم

در تئوری فرض بی گناهی متهم در حقوق اروپایی، یک فرد به هیچ وجه از جهت ارتكاب جرم محکومیت نمی باید؛ مگر آن که دولت تقصیر او را بدون هیچ گونه تردیدی ثابت کند (قربانی و موحدی، ۱۳۹۱:۶۵) یکی از

^{۲۰} چو خشم آیدت بر گناه کسی / تامل کنش در عقوبت بسی (سعدی شیرازی، ۱۳۸۴:۴۶)

کارکردهای دادگاه های کیفری صیانت از افراد بی گناه در برابر محکومیت است چرا که قربانیان عملیات های دام گستری نامشروع "در حالت عادی شهروندانی بی گناه" تلقی می شوند. از این رو در صورت پذیرش دفاع دام گستری، متهم بی گناه شناخته خواهد شد (Tinto, 2013: 1410) در دادگاه تجدید نظر لیتوانی، در پرونده ای، چون دادستان ها نتوانستند ادعای به دام افتادن مظنون را رد کنند، دادگاه متهم را تبرئه نمود (Norris, 2019: 12) چرا که اگر دادستان قادر به اثبات استعداد متهم نباشد، متهم بایستی تبرئه گردد. (Field, 2016: 265) قانون آیین دادرسی کیفری پرتغال در همین راستا از اثبات مدارکی که با طرق فریبکارانه جمع آوری شده و در آزادی و اراده و خواست متهم اختلال ایجاد می کند، جلوگیری به عمل می آورد (Irwin and Normore, 2015: 163) بدین ترتیب اگر دادگاه به این نتیجه برسد که متهم برای ارتکاب فعل جرم، تحریک شده است، تمامی مدارک بدست آمده در نتیجه چنین تحریکاتی می بایست رد شده و نمی توان از آن ها در جریان رسیدگی به پرونده، استفاده نمود (Stariene, 2009: 274) البته در اینجا ممکن است گفته شود، چگونه دام گستری می تواند متهم را از زیر بار مجرمیت برهاند و موجب تبرئه ی او شود. در پاسخ به این سؤال باید گفت که اولاً نحوه ی پیاده سازی دام گستری می تواند برخی از عناصر جرم را خنثی سازد؛ مثلاً زمانی که مامور پلیس در قالب راشی به منظور شناسایی و دستگیری فرد مظنون به پذیرش رشوه، مبادرت به پرداخت مبلغی نماید با پذیرش وجه از سوی او ارتشاء محقق نخواهد شد، بدین دلیل که مسلماً هدف پلیس از پرداخت وجه صرفاً برای این امر بوده که بر وی روشن شود که آیا فرد مورد نظر وجه را دریافت می کند یا خیر؟ نه اینکه به واقع، با پرداخت وجه، در صدد این باشد که اقدام به امر یا امتناع از امری را از او بخواهد چرا که برابر ماده ۳ قانون تشدید، جرم رشوه زمانی محقق خواهد شد که کسی عالماً عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده فوق بوده، مبلغی بدهد (پیرانی، ۱۴۰۰: ۷۴). ثانیاً در دفاعیاتی مانند اجبار به ارتکاب جرم، شرایطی که متهم در آن وادار به ارتکاب جرم شده آن چنان اراده ی وی را تضعیف کرده اند که قاعدتاً نمی توان فرد مورد نظر را تمام و کمال، مسئول کاری که انجام داده دانست. در تعبیه دام ها نیز وضعیت به این ترتیب است که می توان گفت اگر دام به صورت ناعادلانه تعبیه شود، چون پلیس از یک روش ناعادلانه در تحقیقات بهره جسته است بنابراین حق محاکمه ی عادلانه، با این دام ناعادلانه نقض خواهد شد، زیرا چنین متهمان به دام افتاده ای را نباید تحت پیگرد قانونی قرار داد. (Akintayo, 2012: 45) بنابراین اگر دادگاه به این نتیجه برسد که متهم برای ارتکاب فعل جرم تحریک شده است، تمامی مدارک به دست آمده در نتیجه ی چنین تحریکاتی می بایست رد شده و نمی توان از آن ها در جریان رسیدگی به پرونده مورد استفاده قرار داد. (Stariene, 2009: 274)

۲,۲,۳ عدم مداخله

یکی دیگر از گزینه های پیش روی دادگاه، رد استناد به دام گستری به عنوان دفاعیه ای کیفری و اتخاذ دیدگاهی بر مبنای عدم مداخله گری عام است. شالوده ی این دیدگاه باوری است که بر مبنای آن، کارکرد دادگاه های کیفری مطلقاً به تایید گناهکاری یا بی گناهی متهمین به واسطه ی اعمال ضوابط و معیارهای تعیین شده در حوزه ی حقوق جزای ماهوی و تطبیق آن ها با حقایق هر پرونده، محدود می شود. اگر تمامی عناصر جرم بر

حسب قواعد جاری حقوق جزا به اثبات رسیده و دفاعیه ای نیز اعمال نشود، شرایط جامع تر مربوط به نحوه ی دام انداختن متهم توسط دولت شامل حقایق دام گستری، وارد نخواهند بود. ممکن است دادگاه پلیس را به دلیل بکارگیری روش های تحقیقی مذموم و نادرست نکوهش کند یا تایید نماید که دام گستری می تواند مبنایی برای تخفیف در مجازات متهم باشد (به شرطی که الزامی برای مجازات جرمی مشخص وجود نداشته باشد) و با وجود تمام این ها، بر ادامه ی روند رسیدگی به پرونده ی متهم پافشاری کند. در برابر این انتقاد که نظام قضایی نباید در برابر سوء رفتار پلیس چشمان خود را ببندد، پاسخ درخور این است که برای برخورد مناسب با این گونه سوء رفتارها بهتر است زمان دیگری جز جلسه محاکمه ی متهم را انتخاب کنیم که آمادگی بیشتری برای حل و فصل چنین موضوعاتی وجود داشته باشد؛ از جمله احتمالات موجود می توان به یک دادگاه کیفری، مدنی یا انضباطی جداگانه اشاره کرد (رویکردی بسته که به طور مشخص تنها با مامورین خاطی برخورد می کند) یا راهکاری قانونی (رویکردی جامع که از طریق تحمیل معیارهای عام در تلاش برای نظارت بر نهادهای اعمال قانون بر می آید). (Ho,2011:85)

۳،۲،۳ تعلیق دادرسی

دولت، به واسطه ی اقدام خود در تحریک جرم، رفتار مجرمانه ای را که خود زمینه ساز آن شده است تایید می کند. اما متعاقباً و در جریان محاکمه ی متهم، دولت موضعی کاملاً متفاوت اتخاذ نموده و درخواست محکومیت رفتار مذکور را می نماید. بنابراین، تعلیق دادرسی از آن جهت وارد است که دادستان، خود نیز با دستان پاک به درون دادگاه قدم نمی گذارد. هدف از اعطای حق تعلیق دادرسی، تحقق کارکرد ساختاری دادگاه ها است. طبق این دیدگاه، دام گستری دولتی نیازمند پاسخ قضایی است. پاسخ درخور به دام گستری دولتی نیز چیزی نیست جز تعلیق جریان دادرسی. آن دسته از قضاتی را که چنین روندی را در پیش می گیرند نمی توان متهم به کنش گری قضایی کرد. بلکه درست در نقطه ی مقابل، آن ها در حال عمل به وظیفه قضایی خود هستند. در حکومت های مردم سالار دینی که قانون از خرد دینی و خرد بشری برآمده و همچنین حکومت های مردم سالار لیبرال که قانون از خرد بشری سامان می یابد (عیوضی، ۱۳۸۸:۳۰۰) به منظور تحقق عدالت قاعدتاً نمی توان دادگاه را فقط مکانی جهت محکوم کردن گناهکاران و تبرئه بی گناهان دانست زیرا در این صورت نقش سیاسی دادگاه در محدود کردن اختیارات دولت ابتر خواهد ماند، بنابراین دادگاه می بایست بتواند در خصوص متهمی که دام به کار گرفته شده درباره ی او را کارآمد و صحیح قلمداد نموده تصمیمی شایسته اتخاذ نماید زیرا پلیس به واسطه ی مشارکت در روند ارتکاب جرم، به هیچ عنوان در جایگاهی نیست که بتواند متهم را ملامت کرده و خواستار مجازات او شود. فرض کنید با دو متهم روبرو هستیم که متهم اول خارج از دنیای جرم اقتصادی است و متهم دوم در حال ارتکاب جرم اقتصادی می باشد، اگر پلیس به هر دو پیشنهادی وسوسه انگیز برای ارتکاب جرم اقتصادی دهد در واقع تفاوتی میان حالات ذهنی هر دو متهم وجود نخواهد داشت زیرا هر دوی آن ها خواهان ارتکاب جرم اقتصادی هستند تنها تفاوت میان آن ها این است که متهم اول در برابر و سوسه هایی که در حالت عادی جایی در زندگی او نداشته، تسلیم شده است، در حالی که متهم دوم در زندگی روزمره ی خود انتظار چنین فرصتی را می کشیده است. این بدان معناست که دادگاه ها در پرونده های دام گستری به

زمینه های تصمیم متهمین برای ارتکاب اعمال مجرمانه و دلایل اخذ این قبیل تصمیمات می پردازد. تنها نقطه تمایز میان این دو متهم ، پیشینه ی اجتماعی این دو بوده است. باید بگوییم افرادی همچون متهم دوم انتخاب کرده اند که بخشی از دنیای جرایم اقتصادی باشند، در حالی که متهم اول مثال فرضی ما چنین نکرده است. بنابراین، متهم دوم نمی تواند از پیشنهاد فرصت ها و وسوسه های مجرمانه ای که به طور معمول جزئی از "دنیای جرایم اقتصادی" هستند لب به شکایت بگشاید.

در جوامع مردم سالار به جهت ماهیت بالقوه و تهاجمی که فعالیت های پلیسی دارند، نظارت بر عملکرد پلیس از اهمیت بسیار فراوانی برخوردار است. عملیات های مخفی دام گستری ماهیتی مستور و پوشیده دارند و طبیعتا هر آنچه که مستور و پوشیده باشد لزوما ابهام آمیز نیز خواهد بود لذا برای رفع این ابهامات نظارت بر عملیات های مخفی تجویز می گردد. در واقع نظارت بر عملیات های مخفی دام گستری می تواند زوایای پنهان عملیات های مخفی را روشن ساخته و به ماهیت ابهام آلود این عملیات ها خاتمه دهد. زمانی که اجرای این دست عملیات ها در دستور کار پلیس قرار می گیرد، احتمال اصلی این خواهد بود که در نبود نظارت، مامورین خواهند توانست افرادی را متمایل به ارتکاب جرم نمایند که سابق بر این تمایل به ارتکاب جرم در آن ها وجود نداشته، اینجاست که برای تحقق عدالت، مداخله دادگاه ها ضروری است. هر چند محیط پیش بینی ناپذیر محیط مجرمانه ای که مامور مخفی در آن فعالیت می کند و پیچیدگی تحقیقات می تواند به طرز چشم گیری، نظارت بر این عملیات ها را با اشکال جدی مواجه سازد اما دادگاه ها می توانند اولاً با پرسش های متعددی چون آیا جرم اقتصادی بدون مداخله پلیس به وقوع می پیوست؟ آیا متهم به وسیله پلیس به ارتکاب جرم تحریک شده؟ آیا ارتکاب جرم توسط متهم پیش از تعامل با پلیس صورت گرفته؟ و ثانياً با دقت در میزان آزادی متهم، بررسی مشوق های پلیس، توجه به ملزومات بهره گیری از عملیات های مخفی به بهترین شکل، نقش مراقبتی سودمندی را ایفاء نموده و به تقویت شفافیت رویه های تحقیقاتی بپردازند. بدین ترتیب نظارت دادگاه ها بر عملیات های دام گستری پلیس، علاوه بر اینکه می تواند عدالت را در خصوص استحقاق مجازات یا عدم مجازات متهم پیاده نماید می تواند باعث اصلاح خطاها، بهبود ارتقاء روش های پیشگیری و کشف جرم گشته و مانع هدر رفت منابع پلیس گردد زیرا وقتی پلیس ببیند که اقدامات او توسط دادگاه ممکن است با خدشه مواجه شود سعی خواهد نمود که هم عملیات های دام گستری را متوجه افرادی نماید که ظن قوی به ارتکاب جرم از سوی آن ها داشته و هم به گونه ای اقدام به سامان دهی و پیاده سازی این دست عملیات ها خواهد نمود که در سرانجام آن عملیات ها و مجرم شناختن مرتکب و صحت ادله ی انتسابی کاملاً مطمئن باشد. بدین ترتیب به خاطر دقت در شرایط انجام این عملیات ها، هم از هدر رفت بودجه این عملیات ها جلوگیری به عمل خواهد آمد و هم اینکه بواسطه ی دقت پلیس، هر شخصی به وادی جرم کشیده نخواهد شد.

الف) منابع فارسی

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۶) حقوق دادرسی (دادگرانه) عادلانه و منصفانه، چاپ اول، انتشارات جنگل.
- آلبرت، جیمز، داس، دیلیپ کی (۱۳۹۵) راهبرهای موثر کاهش جرم، ترجمه دکتر اعظم مهدوی پور، چاپ اول، نشر میزان.
- احمدی، محمد عارف (۱۳۹۶) دادرسی منصفانه در نظام عدالت کیفری افغانستان، اسناد بین المللی حقوق بشر و فقه حنفی، نشر میزان.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیست و نهم، نشر میزان.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲) حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ سی ام، نشر میزان.
- استوت، برایان، بیتس، جو، ویلیامز، برایان (۱۳۹۳) جرم شناسی کاربردی، ترجمه دکتر حمید رضا ملک محمدی، نشر میزان.
- امام علی (ع) (۱۳۷۹) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، موسسه چاپ الهادی.
- امین پور، قیصر (۱۳۹۶) مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، چاپ دوم، انتشارات مروارید.
- باقر زاده، احد (۱۳۹۵) نگرشی تطبیقی بر پولشویی، چاپ سوم، نشر میزان.
- بهره مند، حمید (۱۳۹۷) جرایم اقتصادی در حقوق ایران: از تعریف تا پاسخ ها، سیاست جنایی در برابر بزهداری اقتصادی، به کوشش امیر حسین نیاز پور، نشر میزان.
- پیرانی، محمد (۱۴۰۰) دام گستری در مرحله کشف جرم و تعیین مسئولیت، چاپ اول، انتشارات فرهوش.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵). «تاملی در ماهیت و قلمرو اراده در تحقق مسئولیت کیفری»، پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۵).
- جوانبخت، محمد، محمدی، سهیلا (۱۳۹۵). «تعارض اصل تناسب جرم و مجازات با اهداف مجازات ها با نگاهی به فقه امامیه و حقوق کیفری»، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری.
- حسینی، عباس، مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۳). «دفاع دام گستری از مفهوم شناسی تا آثار»، مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۸۵).
- حسین آقایی جنت مکان (۱۳۹۲) حقوق کیفری عمومی، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات جنگل.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۳) سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سازمان مطالعه و تدوین (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- حطمی، ایمان (۱۴۰۰) جرایم اقتصادی در ایران، چاپ اول، انتشارات جنگل.
- رحمانیان، حامد، حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۹۲). «ابزار گرای کیفری، قلمرو، مفهوم، شاخص ها»، پژوهش حقوق کیفری، ۲(۵).
- زراعت، عباس (۱۳۹۵) حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل.

- سالار زائی، امیر حمزه، بوستانی، مهرزاد (۱۳۸۶). « بررسی مفهوم تحریک در قانون مجازات اسلامی»، مجله اندیشه های اسلامی.
- سعدی شیرازی، شیخ اجل مصلح الدین (۱۳۸۴) بوستان سعدی، بر اساس نسخه مرحوم محمد علی فروغی به کوشش حسین ابوترابی، انتشارات الهام.
- شیمز، ایروینگ هرمن (۱۳۸۶) مکانیک سیالات، ترجمه فرشید علم بیگی، انتشارات ناقوس اندیشه.
- صادقی، محمد هادی، تنهایی، فرزاد (۱۳۹۶). «ماهیت اختیار و جایگاه آن در حقوق کیفری» پژوهش حقوق کیفری و جرم شناسی، ۶ (۲۱).
- صباغی پور، سعید، توکلی، غلامحسین (۱۳۹۵) اراده آزاد: ناسازگار گرایی اکید و اشکالات آن، دوفصلنامه فلسفی شناخت پژوهش نامه علوم انسانی (۷۴).
- صبوری پور، مهدی (۱۳۹۸) عقلانیت در ارتکاب جرم، چاپ اول، نشر میزان.
- صفاری، صفاری (۱۳۹۰) کیفر شناسی، چاپ چهاردهم، انتشارات جنگل.
- عمید، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- عمید، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸). «مقایسه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، نشریه راهبرد، شماره ۲۱.
- فروزنده، لطف اله (۱۳۸۵). « نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی»، نشریه مجلس و راهبرد، ۱۳ (۵۳).
- قربانی، علی، موحدی، جعفر (۱۳۹۱). «ماهیت برائت در فقه و حقوق، مجله حقوقی دادگستری»، ۷۶ (۸۰).
- کالن، فرانسیس تی، بنسون، مایکل ال، ماکاریاس، متیو دی (۱۳۹۴) نظریه های رشد مدار و طول زندگی ارتکاب جرم، مترجم: سید محمد جواد ساداتی، دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، به کوشش حمید رضا نیکوکار، نشر میزان.
- کلارکسون، کریستوفر (۱۳۹۰) تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسین میر محمد صادقی، نشر میزان.
- کو-الن، اس. لین (۱۳۹۸) راهنمایی برای بانکداران در پیشگیری از تقلب و کلاهبرداری و پولشویی در معاملات اعتبار اسنادی، ترجمه دکتر ماشاالله بناء نیاسری، نشر شهر دانش.
- کوشکی، غلامحسین، دولت خواه کوشکی، پیمان (۱۳۹۸) مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در حقوق ایران و انگلستان، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۴.
- لازرز، کریستین (۱۳۹۵) درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ پنجم، نشر میزان.
- مارش، یان، ملویله، گینور، مورگان، کیت، نوریس، گارت، والکینگتن، زئو (۱۳۹۳) نظریه های جرم، ترجمه دکتر حمید رضا ملک محمدی، نشر میزان.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۳) دوره حقوق جزای عمومی پدیده جنایی، کتابخانه گنج دانش.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۲) دوره حقوق جزای عمومی کلیات حقوق جزا، چاپ چهارم، کتابخانه گنج دانش.

محمدیان، حمید ، ساجدی، علی محمد، بیگم فقیهی، طاهره (۱۳۹۴). « نظارت و کنترل از نگاه مدیریتی امام علی (ع)»، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۶، ۱(۲۱).

معین، محمد (۱۳۸۷) فرهنگ فارسی یک جلدی ، چاپ یازدهم، انتشارات سرایش.

مومنی، مهدی (۱۳۸۹) مبانی حقوق جزای بین الملل ایران ، چاپ پنجم ، انتشارات شهر دانش.

میر سعیدی ، سید منصور، زمانی، محمود (۱۳۹۲) جرم اقتصادی ؛ تعریف یا ضابطه ، پژوهش حقوق کیفری، ۲(۴).

نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۷) اندیشه های زرین نظامی، گردآوری: فرزانه اصفهانی، انتشارات بدیهه.

نوربها، رضا (۱۳۸۷) زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و یکم، انتشارات گنج دانش.

هر ستر، نربرت (۱۳۹۷) درآمدی بر فلسفه مجازات ، ترجمه : محمد حسن خویشتن دار، چاپ دوم ، انتشارات گنج دانش.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳) حقوق کیفری اقتصادی جلد دوم - جرایم علیه امنیت اقتصادی ، چاپ اول ، انتشارات جنگل.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۸) بایسته های حقوق جزای عمومی ۳-۲-۱ ، انتشارات جنگل

ویلیامز، فرانک پی، مک شین، ماری لین دی (۱۳۹۵) نظریه های جرم شناسی، ترجمه دکتر حمید رضا ملک محمدی ، چاپ ششم ، نشر میزان.

Akintayo, A. E. (2012). Constitutional limit of entrapment as a method of crime detection in Nigeria.

Anello, R. J., & Glaser, M. L. (2016). White Collar Crime. *Fordham L. Rev.*, 85, 39.

Azis, N. K., Marzuki, M. M., & Majid, W. Z. N. A. (2020). Fraud prevention in Malaysia: Maqasid al-Shariah perspective. *Global Business and Management Research*, 12(2), 104-116.

Bagaric, M. (2014). A rational theory of mitigation and aggravation in sentencing: Why less is more when it comes to punishing criminals. *Buff. L. Rev.*, 62, 1159.

Bell, R. E. (2001). Undercover Sting Operations in Money-Laundering Cases. *Journal of Money Laundering Control*.

Belousova, S. V. (2016). Economic crimes: trends and ways to overcome them (with the Irkutsk Oblast as an example). *Problems of economic transition*, 58(7-9), 776-793.

Brady, N. (2014, June). Evidence, special investigative techniques and the right to a fair hearing. In *ERA Forum* (Vol. 15, No. 1, pp. 37-49). Springer Berlin Heidelberg.

Braithwaite, J., Fisse, B., & Geis, G. (1987). Covert facilitation and crime: Restoring balance to the entrapment debate. *Journal of Social Issues*, 43(3), 5-41.

Brodeur, J. P. (1992). Undercover policing in Canada: Wanting what is wrong. *Crime, Law and Social Change*, 18(1), 105.

Bronitt, S. (2004). The law in undercover policing: A comparative study of entrapment and covert interviewing in Australia, Canada and Europe. *Common Law World Review*, 33(1), 35-80.

Caruso, G. D. (2020). Justice without retribution: An epistemic argument against retributive criminal punishment. *Neuroethics*, 13(1), 13-28.

Clark, C. J., Baumeister, R. F., & Ditto, P. H. (2017). Making punishment palatable: Belief in free will alleviates punitive distress. *Consciousness and Cognition*, 51, 193-211.

Constantinou, A. G. (2017). Harming the very people whom the law is seeking to protect? The nexus between international, European Union and domestic law on

human trafficking and undercover police operations. *New Journal of European Criminal Law*, 8(4), 476-495.

Dillof, Anthony, M (2004). Unraveling Unlawful Entrapment, 94 *J. Crim. L. & Criminology*, 827, 831-34.

Duff, R. A. (1993). Choice, character, and criminal liability. *Law and Philosophy*, ۳۴۵-۳۸۳.

Dworkin, G. (1985). The serpent beguiled me and I did eat: Entrapment and the creation of crime. *Law and Philosophy*, 4(1), 17-39.

Farmer, S. J., Beehr, T. A., & Love, K. G. (2003). Becoming an undercover police officer: A note on fairness perceptions, behavior, and attitudes. *Journal of organizational behavior: the international journal of industrial, occupational and organizational psychology and behavior*, 24(4), 373-387.

Ferzan, K. K. (2011). Beyond crime and commitment: Justifying liberty deprivations of the dangerous and responsible. *Minn. L. Rev.*, 96, 141.

Field, A. (2016). Ethics and entrapment: Understanding counterterrorism stings. *Terrorism and political violence*, 31(2), 260-276.

Flanders, C. (2014). Can retributivism be saved. *BYU L. Rev.*, 309.

Ho, H. L. (2011). State entrapment. *Legal Studies*, 31(1), 71-95.

Irwin, J., & Normore, A. H. (2015). Transnational and cross-cultural approaches in undercover police work. In *Cross-cultural collaboration and leadership in modern organizations* (pp. 157-175). IGI Global.

James, A. (2017). The path to enlightenment: limiting costs and maximizing returns from intelligence-led policy and practice in public policing. *Policing: A Journal of Policy and Practice*, 11(4).

Jaros, David M. (2014) *Preempting the Police*, 55 *B.C. L. Rev.* 1149.

Khoday, A. (2013). Scrutinizing Mr. Big: Police trickery, the confessions rule and the need to regulate extra-custodial undercover interrogations. *Crim. LQ*, 60, 277.

Kruisbergen, E. W., Leukfeldt, E. R., Kleemans, E. R., & Roks, R. A. (2019). Money talks money laundering choices of organized crime offenders in a digital age. *Journal of Crime and Justice*, 42(5), 569-581.

Laksari, K., Kurt, M., Babae, H., Kleiven, S., & Camarillo, D. (2018). Mechanistic insights into human brain impact dynamics through modal analysis. *Physical review letters*, 120(13), 138101.

Lee, H. W. (2017). Taking deterrence seriously: The wide-scope deterrence theory of punishment. *Criminal justice ethics*, 36(1), 2-24.

Levanon, L. (2016, March). The law of police entrapment: Critical evaluation and policy analysis. In *Criminal Law Forum* (Vol. 27, No. 1, pp. 35-73). Springer Netherlands.

Lippke, R. L. (2014). Chronic temptation, reasonable firmness and the criminal law. *Oxford Journal of Legal Studies*, 34(1), 75-96.

McAdams, R. H. (2005). The political economy of entrapment. *J. Crim. L. & Criminology*, 96, 107.

Möller, H., & Giernalczyk, T. (Eds.). (2017). *Organisationskulturen im Spielfilm: Von Banken, Klöstern und der Mafia: 29 Film- & Firmenanalysen*. Springer-Verlag.

Montana, R. (2009). Paradigms of judicial supervision and co-ordination between police and prosecutors: the Italian case in a comparative perspective. *Eur. J. Crime Crim. L. & Crim. Just.*, 17, 309.

Nanima, R. D. (2018). Abusing the Accused: Unpacking the Use of Entrapment in Uganda's Fight Against Corruption. *JACL*, 2, 109.

Norris, J. J. (2019). Another form of American exceptionalism? A comparative analysis of terrorism sting operations in the US and abroad. *Terrorism and political violence*, 33(7), 1399-1423.

Reimer, N. L., & Wayne, L. M. (2011). From the Practitioners' Perch: How Mandatory Minimum Sentences and the Prosecution's Unfettered Control over Sentence Reductions for Cooperation Subvert Justice and Exacerbate Racial Disparity. *U. Pa. L. Rev. PENNumbra*, 160, 159

Robinson, P. H. (2001). Punishing dangerousness: Cloaking preventive detention as criminal justice. *Harvard law review*, 114(5), 1429-1456.

Roibu, M. (2014). Entrapment in case of corruption offenses breach of the right to fair trial. *Journal of Eastern-European Criminal Law*, 2014(2), 93-100

Ross, J. E. (2008). Undercover policing and the shifting terms of scholarly debate: The United States and Europe in counterpoint. *Annual Review of Law and Social Science*, 4, 239-273.

Roibu, M. (2014). Entrapment in Case of Corruption Offenses-Breach of the Right to a Fair Trial. *JE-Eur. Crim. L.*, 93.

Ross, J. E. (2008). Undercover policing and the shifting terms of scholarly debate: The United States and Europe in counterpoint. *Annual Review of Law and Social Science*, 4, 239-273.

Roth, J. A. (2013). The anomaly of entrapment. *Wash. UL Rev.*, 91, 979.

Saddiq, S. A., & Bakar, A. S. A. (2019). Impact of economic and financial crimes on economic growth in emerging and developing countries: A systematic review. *Journal of Financial Crime*.

Saddiq, S. A., & Bakar, A. S. A. (2019). Impact of economic and financial crimes on economic growth in emerging and developing countries: A systematic review. *Journal of Financial Crime*.

Shariff, A. F., Greene, J. D., Karremans, J. C., Luguri, J. B., Clark, C. J., Schooler, J. W., ... & Vohs, K. D. (2014). Free will and punishment: A mechanistic view of human nature reduces retribution. *Psychological science*, 25(8), 1563-1570.

Štarienė, L. (2009). The limits of the use of undercover agents and the right to a fair trial under article 6 (1) of the European convention on human rights.

Swanepoel, A. P., & Meiring, J. (2018). Adequacy of law enforcement and prosecution of economic crimes in South Africa. *Journal of Financial Crime*.

Swanepoel, A. P., & Meiring, J. (2018). Adequacy of law enforcement and prosecution of economic crimes in South Africa. *Journal of Financial Crime*.

Tinto, E. K. (2012). Undercover Policing, Overstated Culpability. *Cardozo L. Rev.*, 34, 1401.

Wachtel, J. (1992). From morals to practice: Dilemmas of control in undercover policing. *Crime, Law and Social Change*, 18(1), 137-158.

Zedner, L. (2016). Penal subversions: When is a punishment not punishment, who decides and on what grounds?. *Theoretical Criminology*, 20(1), 3-20.